

تاملی بر روند تکوین انقلاب بهمن

چهارده سال تمام از فروریزای نهایی رژیم سلطنتی شاه به نیروی انقلاب بهمن میگذرد و چهارده سال است که این انقلاب، همچنان موضوع سخن در ایران و جهان است...

نه مسئولانه و نه ممکن است که بتوان در نوشته‌ای کوتاه به تحلیل همین دو موضوع اساسی پرداخت و مومنت اینک، بحث حول انقلاب بهمن و آنچه که از پی آن بر کشور ما رفت، بحثی است همچنان باز.

اما برای همه ما که جزو نیروهای انقلاب حتی در جهاتی و مقاطعی از نیروهای موثر این انقلاب - جزو گزیده شدگان تلخکام این انقلاب، و نیز جزو نیروهایی هستیم که خواهان دگرگونی و تحول همه جانبه در شئون کشوریم، یک نکته روشن است: انقلاب بهمن یک واقعیت بود که به نیروی مردم و بعنوان انتخاب نهایی در روند پایان دادن به ساختار سیاسی حاکم بر کشور صورت گرفت، و امروز که امر تعیین تکلیف با نظام سیاسی حاکم بر کشور همچنان در برابر مردم ایران تدکشیده است، جا دارد که بر همین جنبه از روند انقلاب ۵۷ تأکید شود.

جز آنکه در پی افراط سیاسی هستند، هیچکس تردید ندارد که آنچه در ماههای پیش از سقوط رژیم شاه همه مردم و همه نیروها و جریان‌های سیاسی کشور را در یک جبهه گسترده میلیونی با سمتگیری واحد هم صدا و همگام کرد، بهیچوجه توافق بر سر این یا آن سیستم سیاسی جایگزین رژیم شاه نبود، تا هفته‌های قبل از روز ۲۲ بهمن، خواست استقرار جمهوری اسلامی در محافل و پارهای از تظاهرات مطرح بود و بس؛ و "انفجار نور" جز تفسیر حکومتگران از انقلاب چیز دیگری نیست، توافق بر سر سیستم جایگزین در میان نبوده و حتی متاسفانه بدلیل تاریخی نه در بخش بزرگی از جامعه چنین خود آگاهی وجود داشت و نه حتی بسیاری از نیروهای سیاسی حاضر در صحنه از دید روشنی نسبت به آنچه که میخواستند بیاکنند، بر خوردار بودند، اتحاد مردم برای آن بود که شاه برود چه پر معنی این عزم و اراده عمومی در صفحات اول روزنامه‌های آن زمان بازتاب یافت، آنگاه که نوشتند: شاه رفت!

شاه رفت، زیرا که سالها خواست مردم برای آزادی را اهتزاز کرد و هر منتقد و معترض را سرکوب نمود. شاه رفت، زیرا که کشور ما را وارد چنان مناسباتی با دیگران کرد که احساس هر ایرانی میهن دوست آن شد که سرنوشت کشورش در پایتخت‌های دیگر رقم میخورد. شاه رفت، زیرا درصد بود "تمدن بزرگ" را با تحقیر فرهنگ ملی و سرکوب هرگونه سنت در کشور بنا کند، رفت، چون خرداکی شاهانه و تاییدهای چاکرانه گروهی فارتگر و فاسد پیرامون خود را برای تعیین مسیر زندگی مردم ایران کافی میدانست، رفت، برای آنکه هرگونه مجال گفت و شنود سازنده و آرام

ادامه در صفحه ۲

یک آلمانی در ایران محکوم به اعدام شد

گروگان گیری رسمی دولتی

روز ۵ بهمن (۲۵ ژانویه) خبرگزاری‌ها گزارش کردند که یک تبعه کشور آلمان در ایران به اعدام محکوم شده است. این خبر به دنبال سخنان موسوی تبریزی در دادستان کل کشور با خبرگزاری جمهوری اسلامی منتشر شد. موسوی تبریزی اتهام فرد مذکور را جاسوسی برای عراق ذکر کرد و اعلام داشت که نام آن شخص هلموت است و از سال ۱۹۹۱ در زندان بسر می‌برد. وی همچنین خبر آزادی تبعه دیگری از کشور آلمان به اسم "پاول دیترش فرش" را تکذیب کرد و افزود وی به اتهام "کلاهبرداری، بی احترامی به تمثال مبارک حضرت امام خمینی و جو سازی" به زودی محاکمه خواهد شد.

اعلام محکومیت "هلموت" آلمانی به اعدام و محاکمه فرد دیگری که درست مصادف است با

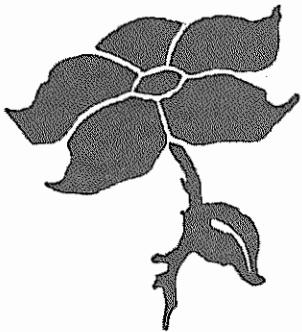
ادامه در صفحه ۳

فرخنده باد ۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق

پیام شورای مرکزی به مناسبت ۱۹ بهمن

جنبش ما ماندگار است

سازمان ما چگونه پدید آمد؟



در صفحات ۷ و ۸

مشاجره پیرامون مناسبات تهران و واشنگتن

خامنه‌ای: این نظام با دشمنان مستکبر برای همیشه تعمر است و هیچگاه با آن آشتی نخواهد کرد

رفسنجانی: اگر امریکا روش خصمانه خود را عوض نکند، ممکن است مردم در شعارهایشان تجدید نظر نمایند

مردم در شعارهایشان تجدید نظر نمایند

فرصت زندگی خود را برای رضای خدا و حفاظت از انقلاب و آرمانهای والای آن در میدان جنگ صرف کردند، چگونه میتواند نظاره‌گر اظهار نظرهایی در مورد ارتباط و آشتی با گرگها باشند. او اظهار داشت: "مواضع نظام را باید مسئولان نظام بیان کنند و همانگونه که بارها عرض کرده‌ام نظام جمهوری اسلامی، هرگز دلش با دشمنان انقلاب صاف نخواهد شد."

بعد از اظهارات خامنه‌ای در مورد مناسبات با آمریکا، رفسنجانی در یک کنفرانس وسیع مطبوعاتی شرکت کرد و در پاسخ به سئوالات خبرنگارن بر خلاف "رهبر"، ایجاد رابطه با امریکا را مشروط به "تفسیر روش خصمانه" آمریکا دانست. او گفت: "شعارهای ضد آمریکایی بی دلیل نبوده و ریشه در اقدامات قبلی امریکا علیه انقلاب اسلامی ایران دارد. اما تا وقتی که مردم ما، احساس کنند امریکایی‌ها،

بحث و مشاجره بر سر رابطه با امریکا در درون حکومت اسلامی بالا گرفته است. این بار مشاجرات زمانی در گرفته است که فشارهای غرب و بویژه امریکا نسبت به جمهوری اسلامی شدیداً افزایش یافته و وضع بحرانی در مناسبات بین دو کشور بوجود آمده است. خامنه‌ای که پرچم مبارزه با "استکبار جهانی" را در دست دارد، هم‌چنان شعارهای تند و تیز علیه امریکا را تکرار میکند، او در دیدار با فرماندهان و پرسنل سپاه پاسداران به مناسبت روز پاسدار اظهار داشت که: "مطالب مندرج در برخی از مطبوعات پیرامون ادعای دور

بودجه سال ۷۲ از تصویب نهایی مجلس شور گذشت

کار رسیدگی به لایحه بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور پس از بررسی آن در چند جلسه مجلس به پایان رسید و از تصویب نهایی مجلس گذشت. بر سر بودجه سال ۷۲ بین مجلس شورا و دولت از جمله بر سر حذف بودجه ارزی و یکسان کردن نرخ ارز تفاوت نظرهایی وجود داشت. مجلس شروی را برای پذیرش پیشنهاد دولت ارائه کرد و دولت آنرا پذیرفت. با این وجود در جلسه ۱۵ دیماه عده‌ای از نمایندگان طرحی با قید دو فوریت تقدیم مجلس کردند که مقرر می‌داشت اسفند ماه به تأخیر بیفتد. در مجلس این پیشنهاد تصویب نشد و قرار شد بطور هادی در مجلس مطرح گردد. طرح بودجه ۴۰۰ بهمن از مجلس گذشت و مجلس بررسی بخش‌های مختلف بودجه را در طی چند روز در دستور خود قرار داد و بدینسان در روز ۱۰ بهمن توافق مجلس و دولت شکل

ادامه در صفحه ۲

فریاد یک هنرمند علیه فوفا سلالاری

پس از کشاکش بسیار بین "معاونت سینمایی وزارت ارشاد" و کارگردان پروانه کشور بهرام بیضایی، سرانجام فیلم "مسافران" اجازه یافت تا به روی اکران برود و در معرض تماشا برای مردم قرار بگیرد. بیضایی ۹ ماه تمام در انتظار دریافت جواز نمایش اثر هنری خود بود، اما مدام از وزارت ارشاد "سفارش"هایی دریافت میکرد تا باز هم از فیلم خود بخش‌هایی را سانسور کند و در همان حال مرتب وعده می‌شدید که نوبت نمایش فیلم او بزودی خواهد رسید! طاقتم این هنرمند پر طاقست سرانجام سرآمد و در ۱۵ آبانماه سالجاری نامه‌ای به وزارت ارشاد فرستاد که باید آن را فریاد دردمندانه یک هنرمند علیه فوفا سلالاری نام نهاد. نامه‌ای که، در میان مردم دست بدست می‌گردد! و نکته جالب دیگر، استقبال وسیع مردم از فیلم "مسافران"، که تجلی اعتراض جامعه فرهنگی کشور به فشارهای حزب الهی و محافل و گروه‌های فشار علیه هنر و مترمندان است. آنچه که در زیر می‌آید بخش‌هایی از نامه بهرام بیضایی به اداره کل امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است:

ادامه در صفحه ۵

ادامه در صفحه ۳

ترور ۴۰ تن از فعالین سازمان مجاهدین خلق ایران

روز پنجشنبه یکم بهمن ماه ۷۱، گروهی مسلح به سلاح‌های سبک و نارنجک به یک اتوبوس حامل مجاهدین خلق در بغداد حمله کردند. در جریان این اقدام ۴۰ مجاهد سرنشین اتوبوس مذکور جان باختند. روزنامه کیهان در شماره ۸ بهمن خود به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی به درج این خبر پرداخته، در ادامه مطلب خود می‌نویسد که این سومین حمله‌ای بوده است که طی هفته‌های اخیر از سوی "گروهی ناشناس" علیه سازمان

مصوبه بخود گرفت. در سخنان نمایندگان، مسائل متعددی پیرامون بودجه سال ۷۲ مطرح گردید. محمد نبوتی درباره بودجه شرکت‌ها و موسسات دولتی مسائل قابل توجهی را طرح نمود: "مبلغ ۳۴۷۳۲ میلیارد ریال بودجه شرکت‌های دولتی که جزئی تفکیک ناپذیر از ارقام بودجه کل کشور می‌باشد، نیازمند به تجدید نظر اساسی است. باین معنی که از حدود ۱۰۰۰ شرکت دولتی، تنها نام ۴۹۵ شرکت در ردیف بودجه نام‌های دولتی آمده است. از این تعداد نیز حدود ۲۰۰ شرکت از اعلام ارقام بودجه خود برای درج در بودجه کل کشور طفره رفته‌اند. یعنی ارقام مربوط به مصارف سرمایه‌ای حدود ۲۰۰ شرکت دولتی برای دولت محترم و نمایندگان ارجمند در ابهام می‌باشد. از تعداد ۴۸۶۴ گزارش

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

تروریسم همچنان قربانی میگیرد

ترور افور مومجو روزنامه نگار چپگرای مشهور ترکیه همراه با یک روزنامه نگار ترک و یکی از اعضای مجاهدین خلق در ترکیه بار دیگر نگاهبانان متوجه تروریسم و خطرات هر دم فزاینده تر آن کرده است. تقریباً همزمان با این ترور، در یک حمله نافلگیرانه به اتوبوسی حامل مجاهدین خلق در عراق، ۴۰ تن از اعضای این سازمان کشته شدند. مسئولین امنیتی رژیم دخالت جمهوری اسلامی در این ترور را تایید کردند. روز گذشته کشتار جنایتکارانه ترور هابی بود که در خاک ترکیه صورت گرفت اما بدلیل آنکه قربانیان ترور در ترکیه تبعه این کشور بودند و در پای جمهوری اسلامی در قتل آنان بدست آمده است، قتل افور مومجو به حادثه سیاسی با اهمیت تبدیل شد و روابط دو کشور را تیره ساخت.

اندکی پس از ترور روزنامه نگار ترک که با انفجار بمبی در اتوموبیل او صورت گرفت، یک گروه اسلامی بنام "سازمان آزادیبخش اسلامی" در تماس تلخنی با روزنامه جمهوری مسئولیت این ترور را بر عهده گرفت. در ترکیه بلافاصله نگاهبانان متوجه تهران یکی از بزرگترین مراکز تروریستی جهان - شد. احتمال دخالت تروریستهای جمهوری اسلامی در این ماجرا شاید خود یکی از انگیزههایی بود که صدها هزار تن از مردم ترکیه را در اعتراض به این قتل به خیابانها کشاند و بزرگترین تظاهرات مردمی سالهای اخیر در ترکیه را رقم زد. تظاهرات کنندگان در شعارهای خود بطور آشکار عوامل جمهوری اسلامی را بعنوان عامل این ترور محکوم کردند. مقامات دولت ترکیه تاکنون به صراحت نامی از حکومت اسلامی نبردهاند. اما بطور غیرمستقیم این دخالت را تایید کردهاند. هصمت سزگین در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که ۱۹ نفر از اعضای "سازمان آزادیبخش اسلامی" همراه با تعداد زیادی سلاح در رابطه با ترورهای اخیر دستگیر شدهاند. وی تصریح کرد که این عده در یک آموزشگاه نظامی در شهر تم آموزش دیدهاند و عدهای ایرانی نیز بین آنها وجود دارند. جمهوری اسلامی هرگونه دخالتی را در این جنایت رد کرده است. عبدالله نوری، وزیر کشور

که به منظور عقد قراردادهای امنیتی در ترکیه به سر می برد، بدون اشاره مستقیم به قتل "مومجو" و اتهاماتی که متوجه جمهوری اسلامی است گفت: "دستگاهی در کار است که روابط ترکیه و جمهوری اسلامی را تیره کند. اما اینگونه تکذیبها که پس از هر ماجرای ترور از سوی مقامات اسلامی صورت می گیرد، از کوچکترین اعتباری در نزد هیچ کس برخوردار نیست. همه شواهد نشانگر دخالت مستقیم حکومت اسلامی در ترورهای اخیر ترکیه است. ترورهای که، مناسبات دو کشور را که قبل از این نیز، با دشواریهای زیاد همراه بود پیچیده تر کرده است.

اما ترورها فراتر از بفرنج ساختن مناسبات دو کشور، هشدار تازه ای است نسبت به گسترش دامنه اقداماتی که از سوی جمهوری اسلامی برای کشتار مخالفین خود در سرتاسر جهان صورت می گیرد. این سیاست، ایرانی و غیر ایرانی نمی شناسد و در هر کجا که بتواند مخالفین مستبدین حاکم بر کشور ما را هدف می گیرد. متأسفانه باید تاکید کرد آنچه مشوق جمهوری اسلامی در پیگیری و تشدید این سیاست است، روشی است که دولت های غربی نسبت به تروریسم حکومتی ایران در پیش گرفته اند. مباحثات، سکوت، بستن پرونده چندین ترور بدون اعلام هیچ گونه نتیجه، باعث شده است که حکومت اسلامی در پیشبرد این سیاست بیش از پیش گستاخ شود. در حالیکه هنوز خونهای ریخته شده جنایت جمهوری اسلامی در برلین خشک نشده است، ما شاهد تکرار چنین جنایاتی در ترکیه و عراق هستیم.

جادار دیک بار دیگر نسبت به خطر سرپوش نهادن بر نقش حکومت اسلامی در جنایت برلین هشدار داد. در حالیکه همه تحقیقات پلیس آلمان و مسیر پرونده نشانگر سازماندهی مستقیم این قتل از سوی رژیم حاکم بر ایران است، اما این بیم وجود دارد که این دخالت یکبار دیگر پرده پوشی شود. اینگونه مباحثات است که زمینه ترورهای تازه، امروز در ترکیه و عراق و فردا در جاهای دیگر را فراهم می سازد. تروریسم جمهوری اسلامی حد و مرزی ندارد. تنها با اقداماتی روشن و مجازاتی سخت علیه این رژیم می توان بر آن مهارت زد.

تاملی بر روند تکوین انقلاب بهمن

ادامه از صفحه ۱

را از بین برد و انفجاری را شکل داد که کنترل آن دیگر ممکن نبود. تاریخ البته هیچگاه به یک شکل تکرار نمیشود، اما این هم است که بارها در جوهر و مضمون تکرار شده است. آنچه که اینک بر کشور ما حاکم است، تداوم استبداد است و لاجرم تضعیف پیوسته پایه اجتماعی رژیم، این رژیم، از همان نخستین روز تصاحب انقلاب، روند حذف و سرکوب غیر فقهاتیها و اختناق همه آن آزادیهایی که انقلاب از پی حذف دیکتاتوری شاه به ارمان آورده بود را پیش برده است. سرکوب غیر خودیها و تبدیل پیوسته کسان و جریانهایی از دژون خود به غیر خودیها، مشخصه اصلی رژیم در این ۱۴ سال بوده است. این رژیم، هر روز تنهاتر و ضعیف تر میشود و در همان حال هنوز دانه بر حاکمیت مطلق خود پای میفشرد. بر اثر بی کفایتی در مدیریت کشور، با سرعت شگرفی به نیروی نارضایتی در مردم ابعاد میلیونی میدهد و همچنان مردم را از امکان مشارکت در امور خود و آزادی بیان، قلم و تشکل محروم نگه میدارد. طبیعی است که مردمی که زیر انواع فشارهای اقتصادی فزاینده و طاقت فرسای ناشی از سیاستهای اقتصادی حکومت اسلامی، به انواع فشارها و تحمیلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ملی و مذهبی مجبور میشوند، از نارضایتی به اعتراض و از اعتراض به پر خاش برسند. بدینسان جامعه، بطور هیینی و در آنجا که به نقش هنر ذهنی بر میگردد به مسئولیت در چه اول حکومتگران به سوی انفجاری پیش میرود که جدا از نوع و شکل بروز آن و حتی زمان وقوع آن که طبعاً غیر قابل پیش بینی است، وضع بسیار مبهمی را در برابر کشور قرار میدهد. شورشهای مشهد، شیراز و اراک نه اولین بروز هصیان گونه پتانسیل اعتراضی عظیم در جامعه بودند و نه آخرین. اینها نمونه هایی از یک مقطع از روندی هستند که عمده ترین روند کشور است.

با این حال، چنین نیست که اپوزیسیون دموکراتیک و ترقیخواه ایرانی نکوشد که به سهم خود روند تحولات سیاسی در کشور و دگرگونی ناگزیر نظام سیاسی حاکم بگونه ای پیش برود که در خدمت استقرار دموکراسی قرار گیرد. شکل دهی یک اپوزیسیون دموکراتیک در ارتباط با حرکت و خواستهای بر حق مردم و کار فرهنگی گسترده در جامعه برای تحول تمدنانه و حتی المقدور اجتناب از افتادن در دایره جنگ و خونریزی، یک درس بزرگ از روندی است که انقلاب بهمن ۲۲ را آفرید.

ترور ۴۰ تن از فعالین سازمان مجاهدین خلق ایران

ادامه از صفحه ۱

نژاد، مدیر کل امنیت داخلی وزارت اطلاعات در مورد عملیات واکنش نسبت به ترور ۴۰ تن از فعالین خود در بغداد، جمهوری اسلامی را هامل این ترور دانست. همه شواهد موجود حاکی از آن است که این بار نیز سرخ ترورهای مذکور در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است. مراجعه به مصاحبه نشریه کیهان هوایی با مدیر کل امنیت داخلی وزارت اطلاعات رژیم اسلامی در بردارنده شواهد کافی برای تأیید این مدعا است.

موسوی نژاد در مصاحبه خود سعی در آن دارد که جریانات مختلف را به عنوان هاملین ترورهای اخیر علیه سازمان مجاهدین معرفی کند. وی در بخشهای مختلف مصاحبه خود معارضات هراقی (اهم از کردها یا شیعیان هراق)، مسلمانان هراق و خود سازمان مجاهدین خلق ایران را به عنوان هاملین احتمالی ترور اعلام می کند و برای هر یک از اینها دلایلی نیز طرح می کند. لیکن اطلاعات کاملاً دقیق موسوی

نژاد، مدیر کل امنیت داخلی وزارت اطلاعات در مورد عملیات واکنش نسبت به ترور ۴۰ تن از فعالین خود در بغداد، جمهوری اسلامی را هامل این ترور دانست. همه شواهد موجود حاکی از آن است که این بار نیز سرخ ترورهای مذکور در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است. مراجعه به مصاحبه نشریه کیهان هوایی با مدیر کل امنیت داخلی وزارت اطلاعات رژیم اسلامی در بردارنده شواهد کافی برای تأیید این مدعا است.

موسوی نژاد در مصاحبه خود سعی در آن دارد که جریانات مختلف را به عنوان هاملین ترورهای اخیر علیه سازمان مجاهدین معرفی کند. وی در بخشهای مختلف مصاحبه خود معارضات هراقی (اهم از کردها یا شیعیان هراق)، مسلمانان هراق و خود سازمان مجاهدین خلق ایران را به عنوان هاملین احتمالی ترور اعلام می کند و برای هر یک از اینها دلایلی نیز طرح می کند. لیکن اطلاعات کاملاً دقیق موسوی

بر دشت گسیخته

بر دشت گسیخته  
از فلج نبود، دستی که برآمد  
و خیزابه هارا  
در خموشی دریا شکست  
و بند بر رفتار باد نهاد،  
آنگاه بندرها  
در تیرگی دریا،  
چنان فرورفتند،  
که فریق را منظرگاه  
از دور سوی فردا  
خالی شد!  
بلور ترمز واژگان  
در گلوی هاز فان شکست  
و تیجی پرچانه  
با بالهای پرنده و پرواز  
به سخن درآمد!  
و سالیان سال،  
اسبان این دشت گسیخته  
بی سوار و بی سر  
به وعده گاه، باز آمدند.

از فلج نبود  
دستی که به شکستن کندوی نغمه ها برآمد  
تا هسل موسیقی شاید  
فراهم ناید  
خوابی خاکستری را  
بر پلکهای دریا، بریر کرد  
و خوشه یا قوتی ستارگان را  
از تاک کهکشان تا بر چیند  
پیراهن فلک را بر درید!

واما او  
همو که سایه هارا بر ابر اکند  
تا بیوید شکوفه دانایی را  
از افق رویارو،  
و مینای درخشان عشق را  
در ظلمت نهان و جهان بچرخاند!  
نمی دانست که:  
طلوع زود رس  
پایان تیرگی نیست  
حال آنکه همه می دانستند  
که سالیان سال  
پرده های بهار  
بر این دشت انتظار  
سوخته اند.  
واژگان گفتند:  
"خضر فرخ پی" کجاو  
خاکستر بر رویشان چشمه نشانند کجا؟  
نفس عاشقان کجاو  
قباری از مه بر آینه بر نشانند کجا؟

آنان، انکار فرای خویش بودند  
و بدین کیش نبودند  
- که مائیم!  
این راحتی،  
کودکان ناز آده نیز می دانستند  
که سپیده دم  
- در هیچ جاو هرگز بر نمی آید -  
مگر از دستان روشن تو که زیبایی  
که صدای روشن فردایی!

برگرفته از مجموعه "عشق واپسین رستگاری" سروده میرزا آقا عسکری

اعتباراتی که از بانکها دریافت میکنند، کمسیون برنامه و بودجه حدود ده هزار و پانصد میلیارد ریال تسهیلات بانکی منظور کرده است. با رقم پیشنهادی کمسیون حدود ۴۰ درصد افزایش نقدینگی در سال آینده خواهیم داشت و این رقم اعلام خطر است.

بودجه سال ۷۲ بخاطر حذف بودجه ارزی و یکسان کردن نرخ ارز تبعات زیادی در هرصه اقتصادی و زندگی مردم خواهد داشت. تدابیر متخذه در بودجه به هیچ وجه کافی نمی باشد و بار دیگر تاوان سیاستهای اقتصادی دولت را مردم کم درآمد خواهند داد. از این لحاظ ما در سال آینده شاهد گسترش نارضایتی باز هم بیشتر مردم خواهیم بود.

الیاس حضرتی نماینده رشت در مورد یکسان کردن نرخ ارز گفت آیا مادر این بودجه خواهیم توانست با تبصره های مختلف نرخ ارز را کنترل کنیم یا هم چنان قیمت نرخ ارز با آزاد شدن آن سیر صعودی خواهد داشت. او اضافه کرد اگر بودجه سال ۷۲ میخواهد هنری داشته باشد هنرش در واقع باید در جوا بگویی به معضلات ناشی از یکسان کردن ارز خواهد بود. بودجه سال ۷۲ با بقیه بودجه ها فرق می کند. بررسی که در این بودجه انجام میگیرد دستگاههای دولتی به عنوان مشتریان اساسی بازار ارز از دو کانال تغذیه می شوند. یکی از کانال درآمدها که در بودجه منظور شده و یکی از کانال

ادامه از صفحه ۱ بودجه سال ۷۲ از تصویب نهایی مجلس شور گذشت

ادامه از صفحه ۱

لایحه تقدیمی دولت برآور د شده. با توجه باینکه ما یک میلیارد و دویست میلیون دلار پیش فروش داریم و از این درآمد می بایستی پرداخت بشود ما از نفت توقعی حدود ۳ میلیارد دلار کمتر از لایحه تقدیمی دولت میتوانیم داشته باشیم.

خداکرم جلالی نماینده فیروز آباد اظهار داشت که متأسفانه لایحه بودجه در فرصتی کوتاه و با سرعتی غیر معقول مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. او اضافه کرد بر اساس سیاستهای برنامه

حجم نقدینگی طی برنامه پنجساله سالانه بطور متوسط می بایست ۸/۳ درصد رشد داشته باشد در صورتی که رشد نقدینگی طی دوره برنامه سالانه حداقل بالای ۲۰ درصد بوده است. نرخ تورم و یارشد بهای کالا و خدمات مصرفی در برنامه می بایست از حدود ۲۸/۵ درصد در سال ۶۷ به ۸/۹ درصد در سال ۷۲ کاهش یابد با وجودیکه بر اساس آمارهای رسمی نرخ تورم به بیش از سه برابر پیش بینی برنامه در سال ۷۲ می رسد.

درآمدهای حاصل از فروش و درآمدهای بودجه مطالبی اظهار داشت: "می توانیم بگوئیم ۸۰ درصد درآمدی را که در بودجه ملاحظه کرده ایم، درآمد نیست بلکه سرمایه است که ما این سرمایه ها را می فرایسیم." وی یکی از معایب اصلی این بودجه را عدم پاسخ باین سؤال دانست که آیا وابستگی به درآمد نفت بیشتر خواهد شد یا رهایی از آن را بدنیال خواهد داشت. محسن یحیوی نماینده تهران نیز در مورد تولید و فروش نفت بیاناتی اظهار داشت. او گفت با در نظر گرفتن کلیه شرایط بازار جهانی و خیلی خوشبینانه درآمدی را از نفت که در سال ۷۲ برای ما تحقق یابد نزدیک به ۲ میلیارد دلار کمتر از

از مجموع ۶۷۱۴ سازمان حسابرسی کشور که در طول آذر ماه سال ۶۶ الی پایان سال ۷۰ تهیه شده است، فقط ۶۷ مورد حساب شرکت های دولتی مورد قبول بوده است. گزارش سازمان مذکور حکایت از ۹۱۸۵۶ مورد از انواع تخلفات، شامل سوء مدیریت، عدم رعایت موارد قانونی، ضعف مدیریت، مشکوک بودن تداوم فعالیت و... را دارد. جای تامل دیگر اینکه میزان پیش بینی زیان شرکت های موصوف از ۴۵۴ میلیارد ریال در سال ۶۹ به رقم ۲۸۲۸ میلیارد ریال در سال ۷۲ افزایش یافته است.

حسین شاهرودی نماینده شاهرود در مورد اتکا بودجه بر

### دستگیری چهار فوتبالیست

۴ تن از اعضای تیم فوتبال پیروزی تهران به جرم "فساد اخلاقی" دستگیر شدند و مقامات سازمان تربیت بدنی دو تن از آنان را به دلیل "سوء سابقه" از شرکت در مسابقات ورزشی محروم کردند. این چهار ورزشکار اکنون در بازداشت به سر می‌برند. برخی روزنامه‌های تهران این موضوع را به خوراک تبلیغی تازه‌ای تبدیل کردند و خواستار برخورد قاطع با ورزشکاران و از جمله بازخواست از مربیان تیم پیروزی شدند. "فساد اخلاقی" مهمتی است که جمهوری اسلامی به هر آن کس که به نرم‌ها و معیارهای آن پای بند نباشد وارد می‌سازد. این تهمت‌ها فقط در حد تهمت باقی نمی‌ماند و

روش خصمانه‌ای نسبت به اسلام و انقلاب ندارند، آن موقع ممکن است در شعارهایشان تجدید نظر نمایند ولی در شرایط فعلی که هم چنان شاهد اقدامات خصمانه آمریکا هستیم، من این زمینه را نمی‌بینم. او اضافه کرد که: "شرایط برقراری روابط دو کشور را ما بارها اعلام کرده‌ایم. همه چیز بستگی به این دارد که آمریکا سیاست خود را در قبال مسلمانان و جمهوری اسلامی اصلاح کند".

رفسنجانی در همین حال در پاسخ به سؤال خبرنگار کیهان در مورد "تخطئه اظهار نظرهاي سازشکارانه برخی از افراد توسط دولت" و در مورد بیانات خامنه‌ای گفت: "سیاست دولت با سیاست رهبری همیشه منطبق بوده و اصولاً اینگونه سیاست‌ها را رهبر انقلاب تعیین میکنند. همانگونه که ایشان فرموده‌اند موضع دولت و رئیس‌جمهور است. ما با سیاست‌های استکبار همیشه در تضادیم و این حرف درستی است".

رفسنجانی با این موضع نرم که تمایز آشکاری با مواضع تند خامنه‌ای دارد، می‌خواهد از فشارهای شدید آمریکا و کشورهای اروپایی بکاهد و آن گرایش را در قرب که روی تحولات درون حکومت اسلامی و شخص رفسنجانی حساب باز کرده است، تقویت کند و گرایش را که معتقد به برخورد تخصص آمیز با جمهوری اسلامی است، تضعیف نماید. در ماه‌های اخیر گرایش دوم در قرب نیرو گرفته و بالتبقیه مخاصمت بین دو کشور شدت یافته است. رفسنجانی و حتی خامنه‌ای که علیه آمریکا شاخ و شانه میکشند، نمیتوانند از اعمال فشار سنگین علیه جمهوری اسلامی توسط مجموعه غرب و متحدین غرب آنها نگران نباشند. این اظهارات با توجه به روی کار آمدن بیل کلینتون دارای اهمیت است. رفسنجانی علاوه بر

### مشاخره پیرامون مناسبات تهران و واشنگتن

ادامه از صفحه ۱  
تماسهای سری، پیام خود رابه کلینتون بطور تلویحی در این مصاحبه مطبوعاتی داده است. در آمریکا نیز باروی کارآمدن حزب دمکرات، بحث‌ها و مشاجرات بر سر مشی برخورد با جمهوری اسلامی حدت گرفته است. اخیراً کنفرانسی در واشنگتن تحت عنوان "روابط ایران و آمریکا در دولت بیل کلینتون" برگزار شد و گروهی از کارشناسان آمریکایی و ایرانی، دیدگاههای خود را در این زمینه بیان داشتند. دکتر هوشنگ امیر احمدی استاد ایرانی ساکن آمریکا در سخنرانی‌اش گفت که اخیراً با چند تن از مسئولان عالی‌رتبه سیاست خارجی جمهوری اسلامی تماسهایی داشته است و از این تماسها چنین استنباط کرده است که "ایران تغییر دولت امریکارا بعنوان موقتی برای افزایش نوین می‌نگرد و خواستار گفتگو به منظور جلب اعتماد دو ملت در بین المللی می‌باشد".

در همین حال طرفداران تشدید فشار روی جمهوری اسلامی بر تداوم این سیاست تاکید دارند. هنری کیسنجر وزیر خارجه اسبق آمریکا طی اظهاراتی در رابطه با مسایل کنونی دنیا که در روزنامه لوس آنجلس تایمز منتشر شد بار دیگر توجه دولت کلینتون را بر خط توازن قدرت‌های منطقه‌ای در خلیج فارس جلب کرده و در درجه نخست متوقف کردن حرکت "بنیاد گرایان" در دنیا که ریشه آن را در تهران می‌بیند لازم دانسته است. روزنامه واشنگتن پست نیز نوشته است که هدف سیاست کلینتون جایگزین کردن یک رژیم دیگر بجای رژیم اسلامی ایران است با این هدف که حکومت جدید احتمالی در خدمت

### یک آلمانی در ایران محکوم به اعدام شد

گروگان گیری رسمی دولتی ادامه از صفحه ۱  
این نخستین بار نیست که جمهوری اسلامی ورزشکاران را تحت فشار قرار می‌دهد. زندگی و نحوه رفتار ورزشکاران بدین دلیل که مورد توجه و الگوی گروهی از جوانان هستند همواره مورد تهاجم و تعرض حکومت اسلامی قرار داشته است. این سیاست ارتجاعی که موجب فرار بسیاری از ورزشکاران از کشور و کناره‌جویی بسیاری دیگر از آنها شده است، ضربات بسیار سنگینی را بر پیکر ورزش ایران وارد آورده است. چنین رفتاری با ورزشکاران هم از نظر حقوق فردی شناخته شده و هم از نظر هواقب ناگوار آن بر جامعه ورزشی ایران، محکوم است.

### ادامه از صفحه ۱

خامنه‌ای علیه آمریکا را برجسته کرده و بر سر سخنان هوشنگ احمدی دایر بر تماس با مسئولان وزارت امور خارجه جنجال برپا کرده و از وزارت امور خارجه خواسته است که در مورد گفته‌های هوشنگ احمدی موضع بگیرد. این وزارت در پاسخ گفته است که ما مجبور به موضع گیری در مورد گفته‌های او نیستیم. کیهان مطلبی با عنوان "خط سازش، محکوم و مطرود است" نگاشته و نوشته است: ولی با وجود این برخوردها، تبادلات بین ایران و آمریکا بانها مختلف جریان دارد. علی شمس اردکانی "رئیس منطقه آزاد تجاری تمش" در مصاحبه با کانال تلویزیونی سی‌ان‌ان، سرمایه‌داران آمریکایی دعوت کرد که در جزیره تشم سرمایه‌گذاری کنند. کرباسچی شهردار تهران در کنفرانس شهرداریان در نیویورک شرکت کرده و به نوشته برخی مطبوعات با دو تن از افراد دستگاه کلینتون گفتگو کرده است. برای اولین بار بعد از انقلاب بممن یک هیات رسمی از جانب وزارت نفت برای مذاکره با مقامات نفتی امریکانه نیویورک رفته است.

مجموعه اخبار حاکی از آنست که از یکسو مخاصمت بین ایران و آمریکا هم چنان تداوم دارد و از سوی دیگر تلاشهایی در بین بخشی از نیروهای دو طرف صورت می‌گیرد که مخاصمت تعدیل یافته و راه برای مذاکرات مستقیم گشوده شود. اما هنوز روند تشدید مخاصمت غالب است. دولت کلینتون در حال تدوین سیاست خود نسبت به جمهوری اسلامی است. هنوز روشن نیست که کدام گرایش برنده خواهد شد. ولی در مقطع کنونی تعادل توادری بین نیروهای جمهوری اسلامی و جو حاکم در بین محافل سیاسی امریکایی بنیادین بسود حامیان مذاکره مستقیم و برقراری مناسبات بین دو کشور نیست.

### در حاشیه رویدادها

#### در جهنم مارهایی است که...

"ماهواره" با سرعتهی بیشتر از آنچه جمهوری اسلامی فکر می‌کرد به صورت خطری بالفعل درآمده و اینک با تمامی قد و قامت خود به سرزمین اسلامی سرک می‌کشد. گفته می‌شود نخستین امواج ماهواره‌ای اکنون به ایران رسیده است و آنچه مانع همه‌گیر شدن آن شده اتمهای بزرگی است که برای دریافت تصویر ضروری است. مقامات حکومتی برای کسانی که اینگونه آنتن‌ها را بر پشت بام خود نصب کنند مجازاتهای سختی تدارک دیده‌اند و چون این گونه آنتن‌ها را نمی‌توان بر احتی اختفا کرد هنوز تعداد کسانی که خطر کنند زیاد نیستند. اما این تنها یک دوران کوتاه است. همه منتظر آنتن‌های کوچک و قابل استتاری هستند که به زودی روانه بازار خواهد شد. مساله بقدری جدی است که اصطلاح "تهاجم ماهواره‌ای" به تدریج دارد در کنار اصطلاح "تهاجم فرهنگی" و بعنوان رکن رکین آن ورد زبان‌ها می‌شود. به‌آزدها پناه برد!

#### پای لرنش بشین!

بر همگان آشکار است... کیهان دیگر بیش از این چیزی در باره متن تراثت شده نمی‌نویسد، فقط برمی‌آشوبد که چرا "عقیده روزنامه‌ای که پیشتر مبارزه با جریان‌های سوء فرهنگی و اقتصادی و سیاسی است" چنین "تغیر مسؤلانه و توهین آمیز" حمله می‌شود! جالب است که کیهان برای اولین بار از همان نسخه کلماتی شنیده است که خود مکرر و مثل آب خوردن در باره دیگران استفاده می‌کند. طبیعی است نمی‌توان موافق بود که هیچ فشار و محدودیتی علیه هیچ روزنامه‌ای بخاطر نشر افکار خود بوجود آید. باید همه روزنامه‌ها و جلات چه وابسته به حکومت و چه از آن مخالفان حکومت، امکان آترابیان‌آزادانه و راحت افکار خود را با مردم در میان بگذارند. اما کیست که ناقض این حق بدیعی است؟ جواب روشن است: حکومت، از جمله گردانندگان روزنامه کیهان، روزنامه‌های مخالفان بکنار، کیهان حتی تحمل دو سه روزنامه دیگر دولتی را هم ندارد. و کاملاً طبیعی است که چنین منشی در ادامه، روحیه هدم تحمل متقابل نسبت به کیهان را نیز بوجود آورد. کیهان برآشفته است که چرا با او "با زبان غیر مسؤلانه و توهین آمیز" صحبت شده، مگر خود این روزنامه تاکنون جز با این زبان با دیگران سخن گفته است؟

برایمان روشن بود که روش و منش گردانندگان روزنامه کیهان چه نغزتی را در میان مردم بویژه قشرهای آگاه جامعه علیه خود برانگیخته است. این اواخر جسته گریخته زمزمه‌هایی از این دست هم شنیده بودیم که محافلی در داخل کشور قصد آن را دارند که روزنامه کیهان را نخرند و آترابیان کنند، اما برایمان تازگی داشت که ابعاد نغزت از این روزنامه تا بدانجاست که در جمع چندین هزار نفری، علیه این روزنامه و رفتار و کردار آن آشکارا زبان اعتراض بگشایند و مهمتر از آن، این اعتراضات از رادیو هم پخش شود. واقعه را خود روزنامه کیهان در شماره ۱۲ بهمن خود از زبان خبرنگارش در اهواز نوشته است: "روز جمعه ۹ بهمن ماه در حضور ۱۸ هزار تماشاگر استادیوم تختی اهواز اعلامیه‌ای توهین آمیز در حمله به روزنامه کیهان تراثت گردید و بطور مستقیم از صدای جمهوری اسلامی مرکز خوزستان نیز پخش گردید". به گفته همین خبرنگار، گوینده صدای جمهوری اسلامی مرکز خوزستان در حالیکه به دفعات اصطلاح "روزی نامه کیهان" را بر زبان می‌راند، متن تراثت شده را با این جمله که بنظر ایشان "توهین آمیز و نفاق انگیزانه" بوده است آغاز می‌کند: "روزی نامه کیهان که ماهیت آن دست رفته‌اش را به خبرنگار نشان میدهد. در برگ اول دفتر نوشته است: "بهشت در انتظار ماست". فاطمه صوبح نیز همیشه خواب پرواز می‌دیده است. اکثر مادرش تعریف می‌کند: "اکثر اوقات می‌گفت که من همیشه خواب می‌بینم که دارم پرواز می‌کنم". فنانه باقری صدیقی دیگر از دانش‌آموزانی است که در حادثه تصادف مینی‌بوس جان خود را از دست داد. بعد از مرگش وصیتنامه‌ای از او پیدا کردند. به تاریخ بهمن ماه ۶۹، در وصیت نامه‌اش نوشته بود تنها آرزویی که دارد این است که قبل از پدر و مادرش بمیرد. در وصیت نامه‌اش از پدر و مادر خود خواسته بود که

#### کو دکانی که به مرگ می اندیشند!

خود را با چه اندیشه‌ها و رویاهایی سر کرده بودند؟ فاطمه رحیمیان یک هفته قبل از درگذشتش به مادر گفته بود: "مادر من خواب دیدم که مثل کبوتر دارم پرواز می‌کنم. اول می‌خواهم پرواز کنم، ولی نمی‌توانم، اما پاهایم را می‌گیرم و بالاخره پرواز می‌کنم". خواهر مژگان محبوبیان می‌گوید: گویی او میدانست در این رفتن بازگشتی نخواهد بود، وقتی از او پرسیدم

که برای هید چه لباسی می‌خواهی بگیری گفت: "از کجا معلوم که تا فردا زنده بمانیم؟ خواهر مژگان می‌افزاید: او وصیت نامه‌اش را هم نوشته بود". مادر معصومه قدیمی تعریف می‌کند: چند روز قبل از حادثه معصومه سرماخورده و در رختخواب خوابیده بود که بطور ناگهانی به برادرش گفت: "ورق و کافئین باور تا من وصیت کنم". مادر سمانه یکه‌باش دفتر یادداشت دختر از

کمک دهانهاد به ظاهر تربیتی، روان خردسالان و نونمالان ایرانی را تباه می‌سازد، از سنین کودکی آنها را با اندیشه مرگ و نیستی درگیر می‌سازد و صدمات روانی فراوانی بر آنان وارد می‌سازد. چگونه میتوان رژیم را که خردسالان و نونمالان جامعه را با اندیشه پرواز به دنیای دیگر و نوشتن وصیت نامه تربیت می‌کند، بخشید؟

۴۵ روز از فاجعه دردناک کشته شدن ۱۹ دختر دانش‌آموز ۱۵ تا ۱۲ ساله یکی از مدارس تهران در جریان تصادفی دلخراش گذشت. این نونمالان جان باخته آخرین روزهای مهر فاجعه‌ای که بر کودکان و نوجوانان میهنمان رفته و می‌رود تنها آن نیست که آنها را به روی میدانهای مین فرستادند و کلید بهشت بر گردنشان بستند، به جرم فعالیت سیاسی پدران و مادرانشان آنها را به گوشه‌های تنگ و تاریک سلولهای زندانها کشاندند و در سنین کودکی پیرشان کردند. فاجعه تنها آن نیست که کودکان این مرز و بوم را گرسنگی میدهند، از تحصیل و آموزش محروم می‌کنند و آینده‌اشان را تباه می‌سازد. روح و روان کودکان و نوجوانان ایران نیز از یورش حاکمان بر کشور در این نیست. حکومت جمهوری اسلامی با تبلیغات حساب شده و به

برایش گریه نکنند و سیاه نپوشند و سفار شعبانی به مادر... این مشتکی است نمونه خروار. جامعه‌ای که کودکان و خردسالانش به نیستی میندیشند با اندیشه مرگ پرورش یابند و برای خود وصیت نامه بنویسند، جامعه‌ای بیمار و بحرانی است. نقش آموزشهای ایدئولوژیک، تربیتی و تبلیغاتی رژیم به ویژه در مدارس در شکل دهی به این گونه افکار نقشی در چه اول و غیر قابل چشم پوشی است. اما جامعه ما و بویژه خانواده‌ها برای زدودن سموم بیماران فکری و روانی کودکان و خردسالانشان تا چه اندازه در خود احساس مسؤلیت می‌کنند؟

## از میان رویدادها

## سرمای زمستان و کمبود سوخت

در حالیکه زمستان سختی بر کشور حاکم است و بسیاری از نقاط را برف و سرما، باران و سیل فرا گرفته است، مردم با کمبود شدید سوخت زمستانی مواجهند. وزیر نفت مبنی بر رفع مشکلات سوخت زمستانی امسال مردم، کمبود سوخت به ویژه در مناطق

گذشته کمبود نفت سفید را کهنه‌ای را برای مردم فراهم آورده است. امسال نفت سفید را بدون کوپن و با قیمت لیتری ۱۵ ریال به بازار عرضه کرده‌اند، اما آزاد کردن نفت سفید نیز کمبودها را بر طرف نکرده است. وزیر نفت و دیگر مسئولان این وزارتخانه در



## پیام ولایتی به داگلاس هرد

نشریات رژیم در روز ۷ بهمن خبر ارسال پیام شفاهی دکتر ولایتی برای داگلاس هرد وزیر خارجه انگلیس را انتشار دادند. در این پیام که با عنوان درخواست حمایت جدی و موثر انگلیس از قطعنامه‌های سازمان ملل ارسال شده است، ولایتی آمادگی رژیم متبوعش را برای فعال کردن مناسبات میان دو کشور اعلام داشته است. در این پیام، بنابر گزارش روزنامه کیهان به تاریخ ۷ بهمن ماه، تبادل هیات و برگزاری سمینارهای مشترک پیرامون موضوعات گوناگون مورد توجه دو کشور از جمله امنیت خلیج فارس (آسیای میانه) مقابله با تروریسم بین‌المللی و

## نتایج دیدار شوار دنازده از ایران

دوای دیدار شوار دنازده رئیس دولت و پارلمان گرجستان که در راس یک هیات سیاسی-اقتصادی وارد ایران شده بود روز ۳۰ دیماه تهران را ترک گفت. وی سفر خود را موفقیت آمیز خواند و اوضاع ۱۵ قرارداد در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی را نشانه آن دانست. از جمله توافق‌های انجام

## تشدید درگیری‌های مسلحانه در بلوچستان

بالا گرفتن ابعاد درگیری‌های نظامی بین گروه‌های مسلحی از مردم سیستان و بلوچستان با نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران، مسئولین رژیم را به موضع‌گیری و اعلام خبر این درگیری‌ها واداشت. «موسوی تبریزی» دادستان کل کشور در یک کنفرانس مطبوعاتی از وقوع «درگیری‌های مسلحانه بین اشرار و نیروهای انتظامی در مرزهای شرقی کشور» پرده برداشت. وی گفت: گروهی از اشرار به سرکردگی «حمید تحتانی» به دو اتوبوس حامل سربازان که برای کنترل مرزهای

انتخاب شهرداران  
بارای مستقیم  
مردم

اعلام شد که بررسی لایحه تشکیلات و انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در روز ۳۰ دی در هیات دولت پایان رسید و از تصویب هیات وزیران گذشت. مطابق این لایحه، شهرداران سراسر ایران با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. براساس لایحه مزبور اعضای شورای روستا با رای مستقیم روستائیان انتخاب می‌شوند و اعضای شورای دهستان را اعضای شورای مای روستاها انتخاب می‌کند. دهمدار نیز با اخذ رای اعضای شورای دهستان انتخاب می‌شود. اما در شهر اعضای شوراهای شهر و نیز شهرداران با آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند.

امضای  
تفاهم نامه امنیتی

وزیران کشور ایران و ترکیه در روز ۷ بهمن در آنکارا یک تفاهم نامه در زمینه «گسترش همکاری‌های امنیتی میان دو کشور» امضاء کردند. عبدالله نوری وزیر کشور جمهوری اسلامی در آنکارا اعلام کرد: «دو کشور با انجام تلاش‌های مشترک باید به دشمنان مجال خدشه‌دار کردن روابط میان دو کشور را ندهند.» او همچنین نتایج فعالیت کمیته‌های امنیتی وزارتخانه‌های کشور ایران و ترکیه را که بطور ماهانه برگزار می‌شود، بسیار مثبت خواند. عصمت سرگین وزیر کشور ترکیه نیز اعلام داشت: «دو کشور در خصوص مبادله اطلاعات در باره فعالیت‌های تروریستی و قاچاق مواد مخدر در دو کشور در سطح بسیار بالایی همکاری دارند.»

## قربانیان گمنام

در اوایل دیماه در محوطه کارخانه اقدام به خودسوزی کرد و جسم سوخته‌اش به بیمارستان منتقل گردید. به‌مراه چند کارگر دیگر و در نتیجه سیاست تعدیل نیروی انسانی، از ۵ ماه پیش از کار معلق شده بود. در تمام طول این مدت وی و سایر کارگران تعلیقی ساعات کار را در یک محیط بسته به سر می‌بردند. به نوشته روزنامه سلام این محیط بسته سالن متروکه‌ای است که کارگران خاصی شرکت را در آنجا نگهداری می‌کنند. این کارگر که از ۵ ماه بلا تکلیفی و بازداشت روزانه به جان آمده بود، در روز حادثه مسئولان کارخانه را تهدید کرده بود. به او گفته بودند: برو هر قطعی که می‌خواهی بکن! کارگر مذکور پیش چشم همکارانش شروع به نوشتن وصیت نامه خود کرد، اما کسی موضوع را جدی نگرفت...

بدنبال انتشار خبر خود سوزی این کارگر، سعید لیلان رئیس روابط عمومی سازمان گسترش و نوسازی صنایع به خبرنگاران گفت: «این روابط عمومی تحقیقات کاملی برای روشن شدن علت خودسوزی... انجام داده و به این نتیجه رسیده که اقدام مزبور هیچ ربطی به مسائل کارخانه نداشته و ایشان بر اثر مشکلات شخصی دست به انتحار زده‌اند.» وی افزود: «کارخانه از جهت اقتصادی به این نتیجه رسیده است که توان تعیبه هزینه‌های پرسنلی را نداشته، مجبور است آنها را کاهش دهد، حال این کاهش چه اثراتی بر اوضاع کارگران و کارکنان می‌گذارد آن بحث دیگریست و احیانا متوجه مدیریت‌های دیگر اجتماع است.»

تلاش خبرنگاران یکی از روزنامه‌های تهران که پیگیر مسئله بوده‌اند، از سرنوشت کارگر بیمار بی نتیجه مانده است. مقامات بیمارستان با استناد به حکم وزارت بهداشت و مدیریت کارخانه خاوران هرگونه توضیحی در مورد سرنوشت کارگر مذکور خودداری کرده‌اند.

اینگونه است سرنوشت انسانهایی که بیرحمانه قربانی «توسعه اقتصادی» ادعایی دولتمردان جمهوری اسلامی می‌شوند. این قربانیان گمنام بسیارند و جامعه تنها به سرنوشت بسیار کوچکی از آنان آگاهی می‌یابد. مسئولان خبر داده‌اند که در سال آینده اشتغال زیر فشار خواهد بود، بیکاری افزایش خواهد یافت و میزان رسمی تورم به ۲۵ درصد خواهد رسید. نتیجه ناگزیر این وضعیت، پرشماتر شدن قربانیان بیکاری، تورم و گرانی خواهد بود.

## پاس تهران؛ قهرمان فوتبال باشگاه‌های آسیا

علاوه بر کسب این مقام، فوتبالیست‌های ایرانی موفق به کسب دو جام دیگر نیز شدند. دومین جام به دلیل رفتار ورزشکارانه و شایستگی اخلاقی تیم پاس نصیب آن شد. علی رضا حکیم‌زاده کاپیتان تیم پایتخت نشین باران فوتبال فنی موفق به کسب جام بهترین بازیکن بازی‌ها شد. دستاورد دیگر تیم پاس از این بازی‌ها انتخاب ۵ بازیکن این تیم به عضویت در تیم منتخب باشگاه‌های آسیا بود که در نوع خود بی سابقه است.

خودکشی مردمی که از نامالیامات و فشارهای طاقت فرسای زندگی در جمهوری اسلامی به جان آمده‌اند، ابعاد نگران کننده‌ای یافته است. تنها طی یک ماه گذشته خبر ۴ خودکشی و خودسوزی در تهران و اراک در روزنامه‌های رژیم اعلام شد.

مورد اول: چهارشنبه شب ۲۳ دی ماه جوانی در یکی از پمپ بنزینهای شمال شهر، با ریختن بنزین بر روی خود اقدام به خود سوزی کرد. دخالت به موقع رهگذران مانع از وقوع حادثه گردید. جز عکسی که بصورتی اتفاقی توسط خبرنگاری از صحنه برداشته شد و در روزنامه سلام به چاپ رسید، هیچ خبر دیگری در مورد انگیزه‌های اقدام به خود سوزی این جوان منتشر نشد.

مورد دوم: در نیمه‌های دیماه گذشته مردی در یکی از حمام‌های اراک خودکشی کرد. این خودکشی نیز به سکوت برگزار شد. از این مرد که نام او فاش نشد، برای جراحی قلب فرزندش ۶۰۰ هزار تومان پول خواسته بودند.

مورد سوم: بعد از ظهر روز شنبه ۲۶ دی ماه نوجوان ۱۷ ساله‌ای از اهالی اردبیل، خود را از فراز ساختمان ۱۵ طبقه شرکت مخابرات در تهران به پایین پرتاب کرد و لحظاتی پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد. محبی مسئول شرکت «اتاق پاک» که این نوجوان زمانی کارمند خدماتی آن شرکت بوده است به خبرنگاران گفت: «متوفی در حدود سه ماه پیش اقدام به تسویه حساب از شرکت نموده کلیه مطالب خود را وصول کرد و به زادگاهش اردبیل مراجعت نمود.» رئیس شرکت مزبور افزود: «از نوجوان در گذشته وصیتنامه‌ای بجای مانده که در آن انگیزه خودکشی خود را بحران‌ها و مشکلات شدید خانوادگی و عاطفی عنوان کرده است.» وی حاضر نشد وصیتنامه ادعایی را به خبرنگاران نشان دهد. آشنایان متوفی به خبرنگاران گفتند: در روز وقوع حادثه، وی از صاحب شرکت تقاضای بازگشت به کار کرده بود ولی با درخواست او موافقت نشد و به دنبال آن وی دست به خودکشی زد.

مورد چهارم: «تلاش برای گفتگو با مردی که بر روی تخت ایران، تعداد پزشکان ایرانی ۱۶ هزار و ۷۰۰ نفر و تعداد پزشکان خارجی در بخش بهداشت و درمان ۲۹۰۰ نفر قید شده است. تعداد تخت‌های بیمارستانی ۸۳ هزار برآورد شده است.»

برخی  
آمارهای پایه‌ای

نهمین شماره «خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور» از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد. براساس آمار ارائه شده در این مجموعه، جمعیت کشور در سال ۱۳۷۰، ۵۸ میلیون نفر ذکر شده است که ۳۳ میلیون نفر آن در مناطق شهری و ۲۵ میلیون نفر در مناطق روستایی بوده‌اند. براساس آمارهای مزبور، در سال ۱۳۶۹ میلادی و ۷۰۰ هزار نفر و تعداد فوت شدگان ۲۰۰ هزار نفر ذکر شده است. در این سال ۵۰۰ هزار مورد ازدواج و ۴۰۰ هزار مورد طلاق به ثبت رسیده است. مجموعه آماری مزبور، تعداد دانش‌آموزان کشور در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ را ۱۴ میلیون و ۱۳۰ هزار نفر ذکر کرده که ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر آن در مقطع تحصیلی ابتدایی برآورد شده است. ۵ میلیون آن را پسران و ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را دختران دانش‌آموز تشکیل می‌دهند. در مقطع راهنمایی در کل ۳/۲ میلیون دانش‌آموز وجود دارد که از آن میان ۱/۹ میلیون نفر پسر و ۱/۳ میلیون دختر بوده‌اند. در دوران متوسطه ۱/۴ میلیون نفر به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ۹۰۰ هزار نفر آن را پسران و ۵۰۰ هزار نفر را دختران تشکیل می‌دهند. همچنین در این سال ۲۳۰ هزار نفر به آموزش فنی و حرفه‌ای در هنرستان‌های فنی، بازرگانی و کشاورزی مشغول بوده‌اند که ۱۸۵ هزار نفر آن را دانش‌آموزان پسر و ۴۵ هزار نفر آن را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دادند.

در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ تعداد ۳۱۲ هزار نفر به تحصیلات عالی اشتغال داشتند که ۴۶ هزار نفر در مقطع کاردانی، ۲۱۲ هزار نفر در مقطع کارشناسی، ۱۱ هزار نفر در مقطع کارشناسی ارشد (نوق لیسانس)، ۳۹ هزار نفر در مقطع دکتری حرفه‌ای و ۳۹۰۰ نفر در مقطع دکتری تخصصی بوده‌اند.

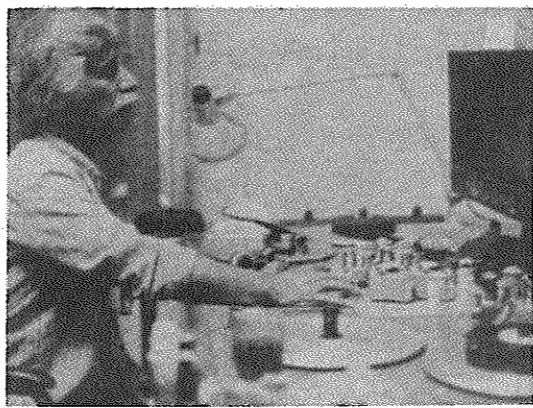
براساس آمارهای مجموعه منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، تعداد پزشکان ایرانی ۱۶ هزار و ۷۰۰ نفر و تعداد پزشکان خارجی در بخش بهداشت و درمان ۲۹۰۰ نفر قید شده است. تعداد تخت‌های بیمارستانی ۸۳ هزار برآورد شده است.

## نامنی گسترده

فرمانده ناحیه انتظامی فارس، سرتیپ ابوالفتحی در یک کنفرانس مطبوعاتی تلویزیونی اعلام کرد که باندی که دست‌اندرکار گروگانگیری سرمایه‌داران و دریافت مبالغ زیاد در مقابل آن بود، شناسایی و عناصر آن دستگیر شدند. وی گفت از آدم ربایان ۸ قبضه سلاح کلاشینکف، یک قبضه مسلسل پوزی و مقادیر زیادی مهمات بدست آمد. فرمانده مزبور در مورد آدم ربایی در فسا گفت: در مقابله با این اشرار به همت مقابله شدید آنان و عدم توجه به اخطار نیروهای ما، مجبور به استفاده از اسلحه شدیم که نهایتاً منجر به هلاکت کلیه اشرار شد.

### فزیادیک هنرمند علیه فوفا سالاری

بخشهایی از نامه بهرام بیضایی به اداره کل امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



بیضایی در حال تدوین فیلم مسافران

ادامه از صفحه ۱

وقتی سه ماه پیش از طریق دفتر پخش، و دفتر امور سینمایی پیغام رساندید که به خاطر جو آشفته بیرون، نمایش "مسافران" یک برنامه از نوبت در جدول تعیین شده عقب بیفتد تا بتوانید آن را حمایت کنید، حتی جسم هم باور نمیکرد پیشنهادی از روی خیرخواهی است. اول گفته بودید انتخاب با ماست و بعد معلوم شد مجبور به این انتخابهای درست مثل همه انتخاباتهای دیگرمان، و حال "یک" برنامه گذشته، و "یک" بعدی آن هم پرده آمده و فرض پیشنهاد شما آشکار شده، حالا به جای حمایت ما در برابر جو احتمالی بیرون، به حمایت از جو فرضی علیه فیلم برخاسته‌اید، و فهرست حذفی‌های تازه‌ای ذیل پنج عنوان کلی نازل کرده‌اید با دستور این که موارد چند برابر آن را از فیلم بیرون بکشیم. مگر من کارمند شما هستم، یا سفارشی سازمان که هر روز دستور بدهید و من اجرا کنم؟

... و یعنی چه که هر روز به ما دستور می‌دهید ازتان درخواست کنیم که فیلمان را ویران کنید؟ چرا باید دستور داده می‌شود تقاضا کنیم نمایش فیلمان عقب بیفتد؟ آیا ادارات جز گروگانگیری راه دیگری بلد نیستند؟ آیا ما اهل یک کشور نیستیم؟ و شما فاتحید و ما مغلوب؟ و یعنی چه هر روز فهرستی حتی بدون ابلاغ رسمی (چنان که مدرکی در میان نباشد) بلند خوانی می‌کنید تا ما به خط خود بنویسیم، بی چون و چرا و طبق آن به دست خود مواردی را از فیلم بیرون بکشیم؟ و من اگر هر بار فهرست حذفی‌های شما راهلی می‌کردم از مسافران چه می‌ماند؟ و یعنی چه سانسور به دست خود سازنده؟ مگر کارمندان شما حقوق برای همین نمی‌گیرند؟ و آیا سانسور برای هر سازنده جداگانه است، و آنچه برای یکی مجاز است برای دیگری ممنوع است؟ چرا؟ ولی ما حتی همین بی‌قانونی را هم رعایت کرده‌ایم. به فیلم‌های پروانه گرفته‌ی پر پرده‌تان نگاه کنید تا ببینید بی‌خاصیت‌تر از مسافران آیا فیلم دیگری می‌شد ساخت؟

... من دستور را می‌شکنم و اجازه نمی‌دهم مرا سانسورچی خودم کنید. من هنوز از این که پذیرفتم خبرگان اشکال‌تراشی شما فیلم بدبخت "شاید وقتی دیگر" را ویران کنند شبها نمی‌خواهم، فیلمی که تنها اشکال آن این بود که به قدر کافی بد نبود. حالا نه ماه از نمایش "مسافران" در جشنواره‌های فیلم فجر می‌گذرد؛ فیلمی که احدی با آن مشکلی نداشت. شما نه ماه مسافران را ننگه داشته‌اید تا بلکه در آن معنایی پیدا کنید. چرا؟ و هیات‌های متعددی به قصد و با ماموریت یافتن اشکال آن را نوبه نو بررسی کرده‌اند؛ چرا شما باید اشکالی در آن می‌یافتید؟ چرا تصمیم گرفته‌اید حتما در فیلم بیضایی باید اشکالی باشد؟ فیلم‌های دیگر جشنواره که هم‌زمان با مسافران ارائه شده بودند همه یکی دو هفته بعد با پروانه‌ی نمایش شما در جشنواره‌های بیرون کشور نشان داده شدند. چرا باید حتما اجازه‌ی نمایش مسافران را نه ماه کش

### نکاتی در باره چند فیلم

مرگ مادر بزرگ در گرماگر مراسم سوگواری کسی به من گفت که پسر در زیر زمین با پسر همیش به "دکتر بازی" مشغول است. با خود اندیشیدیم که علت این عدم تائوری از مرگ مادر بزرگ چه می‌تواند باشد. فکر میکنم که در این رابطه از کمبود علاقه پسر به مادر بزرگش سخنی در میان نمیتواند باشد. علت رادر برخورد راحت‌تر و آزادانه‌تر بچه‌ها با پدیده مرگ باید جستجو کرد. این برخورد تا زمانی که آنها مراسم و آیین‌های سوگواری را نیاموخته‌اند به قوت خود باقی میماند. میتوان گفت بچه‌ها به لحاظ زندگی و نگرش خود بیشتر به فلاسه شباهت دارند. آنها اجازه نمیدهند که سن و آیین‌ها رفتار سالم و بی‌ریای آنها را خدشه دار کنند. من در تصویر فاجعه زلزله نیز تاکید خود را بر نشان دادن برخورد کودکان به این واقعه متمرکز کرده‌ام. بچه در عمل راهنمای پدر خویش است. او به پدر نشان میدهد که انسان در چنین وضع فاجعه‌باری نیز میتواند برای آینده‌اش برنامه داشته باشد و به پدرش یادآور می‌شود: "تو به دنبال اجساد مرده‌هایی، ولی من در پی چیزهای زنده‌ام". در فیلم همچنین طبیعت (تداوم هستی) بسیار برجسته‌تر و پررنگ‌تر از فاجعه نشان داده شده است.



انکاس فیلم‌های ایرانی در نشریات آلمانی

کیارستمی سپس در توضیح هلت انتخاب قطعه‌ای از ویوالدی برای موزیک متن فیلم با اشاره به دبستگی شدید و آزار دهنده آهنگسازان ایرانی به ملودرام‌ها و تضاد این گونه آهنگ‌ها با درون مایه فیلم یعنی نمایش پویایی هستی میگوید. "ایده استفاده از آهنگ ویوالدی (به جای موسیقی ایرانی) برای خودم هم در آغاز تکانه‌دهنده و شوک‌آور بود. اما بعد از ۴۴ ساعت این مشکل را برای خودم حل کردم. موسیقی کلاسیک همچون اقیانوس پهناور و یا همچون آسمان است که در فرانکفورت و تهران همسان به نظر میرسد و به همگان تعلق دارد. مرزها را سیاستمداران میکشند، اما هنر مرزی نمیشناسد... در آلمان یک ایرانی از من پرسید که چرا این موسیقی "فرفری" را انتخاب کرده‌ام؛ در کلن هم یک تماشاچی مدعی شد که فیلم من تبلیغی برای "زنو" است، زیرا پدر و پسر با یک "زنو" سفر میکنند. راستش من اصلا دچار ملی‌گرایی برتری طلبانه و شوونیستی نیستم و اگر لازم باشد از هنریگان خارجی نیز در

سینمای ایران پس از انقلاب به رقم همه محدودیتها و فشارها همچنان راه تعالی و پیشرفت را می‌پوید. حضور پر بازتاب فیلمهای برتر سینمای ایران در جشنواره‌ها و مجامع هنری و سینمایی جهان نشانه‌ای است از ارتقای نسبی فیلمهای ایرانی و کم رنگ شدن سبک و سیاق "فیلم فارسی" (آبگوشتی) در میان دست اندرکاران سینمای میهن ما. آثار برجسته کارگردانی همچون کیارستمی، محسن مخملباف، بهرام بیضایی، امیر نادری، داریوش مهرجویی، کیانوش هییاری، رخشان بنی‌احمد... پشتوانه رشد و برایش کیفیت هنری سینمای ایران بوده است. در سالهای پیش فیلمهایی همچون "باشو فریبده کوچک" و "شاید وقتی دیگر" (از بیضایی)، "خانه دوست کجاست" (کیارستمی)، "نشین ما" (مهرجویی)، "خارج از محدوده" (بنی‌احمد)، "آسوی آتش" (هیاری)، "آب"، "باد، خاک" و "کونده" (نادری)، "بایسیکل‌ران" و "هروسی خوبان" (مخملباف) و... چه به لحاظ درون مایه، چه از حیث کارگردانی و چه به لحاظ هنری و تکنیکی (به رقم پاره‌ای ضععی جزئی و غیر جزئی) سینمای ایران را کیفیت و پر و بار بیشتری بخشیده‌اند. اخیرا نیز کیارستمی با فیلم "زندگی جاری است" و بیضایی با فیلم "مسافران" آثار در خور اهتای دیگری به سینمای ایران عرضه کرده‌اند. کیارستمی در اثر جدید خود میکوشد تا با نشان دادن برخورد یک پدر و پسر با فاجعه زلزله دو سال پیش گیلان تفاوت دیدگاهی دو نسل مختلف را نسبت به زندگی بنمایاند. در واقع محور کار کارگردانی در این فیلم نیز همچون سایر آثار قبلی‌اش به تصویر کشیدن دنیای درونی بچه‌ها، برخورد آنها با محیط خود و بالعکس میباشد. کیارستمی که در "خانه دوست کجاست" واقعتا زندگی یک بچه ۸ و ۹ ساله در محیطی آمرانه و استبداد زده را تصویر کرده بود در اثر جدید خود برخورد طبیعی و بی‌تعارف و تکلف بچه‌ها به انسانها، رویدادها و محیط پیرامونشان و تلاش انسانها بویژه بچه‌ها برای تداوم زندگی در بدترین شرایط را به نمایش میگذارد. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی فرانکفورت رونداها و (۹ ژانویه) در باره انگیزه‌ها و دیده‌هایی که وی را به ساختن فیلم "زندگی جاری است" بوانگیخته‌اند، میگوید: "در منطقه زلزله زده گیلان دیدم که گروهی از مردم زن و مرد جوانی را برای انتقال چادرشان به نقطه دیگری زیر فشار گذاشته‌اند. هلت را جويا شدم، گفتند که این زوج که دو بچه خود را در زلزله از دست داده بودند، امروز صبح فارغ از مرگ بچه‌ها در چادر خود همچو باگی کرده‌اند. به همین سبب افراد دور و بر (برای تیبیه) از آنها میخواستند که چادرشان را به جای دیگری منتقل کنند. این صحنه را من به خاطر سانسور نتوانستم در فیلم بازسازی کنم. انگیزه دوم من در ساختن این فیلم رفتار پسر من در برخورد با مرگ مادر بزرگش بود. آنها روابط خوب و صمیمانه‌ای داشتند. بعد از

فیلم فایم استفاده میکنم. فیلم "مسافران" ساخته بهرام بیضایی نیز این روزها در ایران محور بحث و گفتگوی علاقمندان به سینماست. این فیلم مدتها در محاق توقیف و انتظار بود، تا سرانجام امسال به روی آکران آمد. ماجرای فیلم حول آینه‌ای دور میزند که بعنوان نماد تداوم بیضایی و نشانه پاکی و روشنایی باید از یکی از شعرهای شمال جهت استفاده در مراسم هروسی یک زوج جوان به تهران آورده شود. حاملین این آینه که خواهر هروس و شوهر او هستند در بین راه تصادف کرده و از بین میروند. خبر که به تهران میرسد، همه حاضرین در هروسی کم‌کم آن را باور میکنند، اما مادر بزرگ هروس با رد کشته شدن حاملین آینه، از نو داشت میخواید که لباس هروس به تن کند. ستیز و کشاکش دیدگاه آرمانی و تخیلی مادر بزرگ که در جلاتی همچون "همه کسم مرده ولی نه برای من" و "آینه مردن ولی تو بم نشدن" نمود می‌یابد در کشاکش دیدگاه جمع حاضر در هروسی که واقعتا مرگ را پذیرفته درون مایه اصلی فیلم را تشکیل میدهد. هروس با تبصیر از مادر بزرگ و یا شاید با رسیدن به باور او، در مجلس عزای هروس میبویشد و بدینسان نظم مجلس بهم میریزد. در گرما گرم آشفته‌گی مجلس، مردگان با آینه وارد میشوند و تکرار تصویر حاضرین در آینه در واقع تاییدی میشود بر گفته‌ی مادر بزرگ که: "ما همه رویای همیم". شاید به تعبیری بتوان گفت که "مسافران" بیانگر پیوسته هستی و چیرگی زندگی بر مرگ است و تلاش و پایداری آرمانی مادر بزرگ در به اثبات رساندن این امر نیز نمادی رمز گونه از نقش انسانی آرمانگرا در شناختن به هستی و کم رنگ کردن هیبت و صلابت مرگ در برابر زندگی است. در این رابطه شاید کلام دکتر قطب‌الدین صادقی، نویسنده و منتقد سینما و تئاتر بر بی‌جا نباشد که میگوید: "بینش بیضایی در نهایت خوشبینانه و حتی جاندارانه است، چون او همچون فرزانه‌ای مشرق زمینی به راز جاودانگی انسان پی برده است". این سخن بیضایی نیز به نوبه خود درخور تأمل و تقدیر است، هنگامیکه آشکارا میگوید در شرایط کنونی ما، و در زمانی که همگان مسابقه جدی و فم‌انگیزی را برای "تطبيق با واقعیت" آغاز کرده‌اند، "خلا آرمان" میتواند از هر فاجعه‌ای هولناک‌تر باشد. بیضایی میگوید: تنها "فرزادند" که همچنان آرمانگرا باقیمانده و از امیدها و الگویی‌ها که حد و بزرگی انسان را نشان میدهد، پاسداری میکنند. آیا در این پیام تفاخر به اندیشه وجود دارد یا بیهودگی؟ امید هست یا یاس؟ دست کم در این فیلم موضوع از این قرار است که بیضایی بار دیگر با استفاده از درون مایه مرگ در قالب تصای تازه و با نمادهای متعدد جهانی از معنا و ماجرا و شخصیت می‌آفریند و با پایانی شاد و امید آفرین (هروسی) که در آن پویایی و حیات یکسره بر دل مشغولی‌های معمول کارگردان (مرگ) برتری میجوید، و همین، فیلم او را جذاب میکند... "خوشبختی" تراژیک "مسافران" در این است که شخصیت مرکزی (مادر بزرگ) زنده میماند و به نتیجه میرسد. زیرا هدف بیضایی در وهله اول تحلیل رابطه فرد و جمع است نه ستایش قهرمانان محکوم به مرگ. (آدینه - شماره ۷۶).

# فرخنده باد ۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری جنبش فداییان خلق



## پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت بیست و دومین سالگرد بنیانگذاری سازمان

### دراهم برقراری و تحکیم پیوندها بکوشیم!

بین المللی و تحولات سیاسی در کشور و پیرامون آن، وضع خطیری را پدید آورده و لاجرم وظایف سنگین تری بر دوش نیروهای دموکراتیک کشور و از جمله سازمان ما نهاده است. در چنین شرایطی وظیفه ماست تا در اتحاد با هر نیرویی که در احساس مسئولیت با ما مشترک و در کوشش برای نجات مردم از استبداد حاکم، فَلَکَت موجود و فجاجی احتمالی تازه و تلاش برای استقرار دموکراسی در کشور هم اراده است، از طریق اتخاذ تدابیر عاجل و ابتکارات ضرور بمقابله مسئولانه با خطرات موجود بشتابیم. تحت فشار قرار دادن رژیم حاکم از راه روشنگری و بسیج افکار عمومی کشور بمنظور جلوگیری از اعمالی که مطلقاً با منافع مردم و مصالح کشور مغایرت داشته و صرفاً از تمایلات پان اسلامیستی رژیم جمهوری اسلامی منشأ می‌گیرد، و نیز رهیافت برای تأمین مساعی مشترک اپوزیسیون آزادیخواه و مترقی متکی بر مردم در برابر رژیم و هم توطئه‌های خارجی، ارکان همده سیاست کنونی نیروهای دموکرات، مردمی و میهن دوست است. برقراری و گسترش ارتباط بین بخش‌های داخل و خارج کشور این نیروها، اهرم اصلی پیشبرد این سیاست و یک وظیفه مبرم است. برای فداییان خلق، سال تازه زندگی سازمانی با این وظیفه مرکزی تعریف می‌شود.

بیست و سومین سال حیات فداییان خلق ایران را با باور به پیروزی راهمان و با همل به الزامات پیشروی در این راه آغاز می‌کنیم.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۱

می‌آوریم، از همه فداییانی که بخاطر حفظ میراث گرانتقد یاران از دست رفته رنج بردند یاد می‌کنیم، و به همه رفقای که در تلاش برای فکای این میراث هستند درود می‌فرستیم.

بیست و دومین سال حیات سازمان به تداوم روند تدریجی بازسازی سازمان گذشت. در سال طی شده سازمان با موضع‌گیری در قبال حوادث و تحولات سیاسی در کشور و جهان، موفق شد گام‌های بلندی در راه ترسیم و تثبیت سیمای تازه خود بردارد. در همان حال، کار فکری در راستای ارزش‌های آرمانی و مواضع برنامه‌ای در سازمان همچنان ادامه یافت. در سالی که پشت سر نهادیم، ارتباطات سازمانی بین فعالان سازمان تقویت شد، مناسبات سازمان با نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه اپوزیسیون گسترش بیشتری پیدا کرد و روابط بین‌المللی سازمان در مقایسه با سال‌های اخیر بطور نسبی بهبود حاصل نمود. در مقابل، طی سال گذشته رژیم مستبد جمهوری اسلامی به توطئه‌های خود علیه سازمان ما دامنه بیشتری داد. یک پاسخ شایسته به این توطئه‌ها آن بود که فعالان سازمان برای برافراشته نگه داشتن پرچم مبارزه علیه رژیم روحیه همکاری بیشتری از خود نشان دادند و در قیاس با وضع بحرانی سال‌های گذشته، کوشیدند با همتی فزونتر و انواع یاری‌ها و یاورانی‌ها ادامه کاری فعالیت سازمان را تأمین کرده و نقش‌آرادر صحنه مبارزه بالابردند. اما اینهمه، مانع از آن نیست که در این جمع بست یکساله از موقعیت سازمان، بر فاصله هنوز زیاد بین عملکرد کنونی سازمان با ظرفیت‌های بالقوه زیاد آن تأکید گردد.

اکنون، در حالی‌که بیست و سومین سال زندگی سازمان می‌گذریم که شتاب دگرگونی‌ها در صحنه

با گذشت سالی بیشتر از هر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، یکبار دیگر روز تاریخی ۱۹ بهمن، روز اعلام موجودیت جنبش فداییان خلق را گرامی می‌داریم. جنبشی که، با شکوفایی در حماسه سیاهکل، نیروی نوینی را وارد زندگی سیاسی و اجتماعی کشور کرد و در جبهه ضد دیکتاتوری، ضدامپریالیستی و ضد ستم و بیداد در کشور شوری تازه پدید آورد. جنبشی که، در طول بیست و دو سال گذشته، از هیچ تلاش و رهجویی در راستای نیل به آرمان‌های انسانی خود باز نایستاد و در مسیر طی شده آزمون‌های بزرگی از سر گذراند. و جنبشی که، اینک با قرار دادن تمامی اندوخته‌های خود در خدمت تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهنمان، همچنان در راه سعادت مردم ایران گام برمی‌دارد.

بنای رفیع جنبش فداییان خلق ایران و دوام آن در برابر یورش‌های بی‌امان دشمنان مردم، مرمون مبارزه فداکارانه هزاران فدایی است که در راه شکل‌گیری، پابرجایی و اعتلای آن رنج‌های فراوان برده‌اند. در این بیست و دو سال، بسیاری از رفقای ما در میدان مبارزه جان باختند و سال‌های جوانی بسیاری از ما، زیر تازیانه‌های زندانبانان دو رژیم دیکتاتور سلطنتی و ولایت فقیه سپری شد. اکنون نیز، فدایی خلق را بخاطر مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم می‌کشند و به صلابه میکشند؛ از وطن بیرون می‌رانند و در وطن به زندان می‌برند. اما جنبش فداییان خلق که با رنج مبارزه و رنج آموختن آبدیده شده است، زنده و پابرجاست. این جنبش، از مردم دردمند و مبارز نیرو می‌گیرد. و ما، در سالروز حیات این جنبش رنج و ایستادگی، دیگر بار در برابر نام همه شهیدان جنبش فداییان خلق به احترام سر فرود

## و پیامی در راه

روزی  
خواهم آمد، و پیامی خواهم آورد.  
در رگ‌ها، نور خواهم ریخت.  
و صداخواهم در داد:  
آی سیدماتان پر خواب.  
سیب آوردم، سیب سرخ خورشید.  
خواهم آمد.  
...  
کوچه‌ها را خواهم گشت، جارخواهم زد:  
آی شبتم، شبتم، شبتم،  
رهگذاری خواهم گشت:  
راستی را، شب تاریکی است،  
کمشانی خواهم دادش.  
...  
هر چه دشنام، از لب‌ها خواهم برچید.  
هر چه دیوار، از جا خواهم برکنم.  
رهزنان را خواهم گشت:  
کاروانی آمدبارش بلخند!  
ابرا، پاره خواهم کرد.  
من گره خواهم زد،  
چشمان را با خورشید،  
دلها را با عشق،  
سایه‌ها را با آب،  
شاخه‌ها را با باد،  
و به هم خواهم پیوست،  
خواب کودک را باز مزه زنجیره‌ها.  
...  
خواهم آمد سر هر دیواری،  
میخکی خواهم کاشت.  
پای هر پنجره‌ای، شعری خواهم خواند  
هر کلافی را، کاجی خواهم داد.  
ما را را خواهم گشت:  
چه شکوهی دار دشتوک!  
آشتی خواهم داد.  
آشنا خواهم کرد.  
راه خواهم رفت.  
نور را خواهم خورد.  
دوست خواهم شد.  
سمراب سپهری

## سازمان ما چگونه پدید آمد؟

انسان دو ستانه مارکسیسم و ویژگی‌های برجسته و مشترک بنیانگذاران سازمان فدائیان خلق بود. این اراده و ایمان در جامعه منکوب شده در زیر چکمه‌های دیکتاتوری که در اوج اقتدار خویش بود، آتشی برافروخت و نسلی تازه از مبارزین پدید آورد که کوشیدند قدرت معنوی و روحی بنیانگذاران جنبش خویش را با سلاح خرد و آگاهی بهم آموختند و آن را در خدمت‌رهایی میهن خود از ظلم و ستم و استبداد و عقب ماندگی قرار دهند. تلاش دشوار که همه وقت نیز با موفقیت توأم نبوده است. آن آتش اگر گاه به گاه فروغ خود را از دست داده است، اما همواره برافروخته باقی مانده و باقی خواهد ماند.

مشیدی - فغور حسن پور اصلیل - اسماعیل معینی عراقی - هوشنگ نیری - هادی فاضلی - عباس دانش بهزادی - هادی بنده خدالنگرودی - ناصر سیف دلیل صفایی - جلیل انفرادی - محمد علی محدث قندچی - احمد فرهودی. رژیم شاه پیروزی خود در این نبرد نابرابر را اعلام کرد. اما قریب به یک ماه بعد تیمسار فرسیو رئیس اداره دادرسی ارتش که فرمان به اعدام رفقای ماده‌ده بود، ترور شد. نشانه آنکه، فداییان خلق هستند و راه را پی گرفته‌اند.

و بدین گونه در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ نامی تازه در پیکار مردم ایران علیه استبداد و بخاطر عدالت و سوسیالیسم به ثبت رسید: فدایی خلق! تولد فدائیان چنان پیرصلاحت و چنان پر خروش بود که از همان نخستین لحظه همه نگاهها را از دو سو متوجه خود کرد. از یکسو مستبدین و از سوی دیگر آزادیخواهان. نیرویی که شاه شتابزده برای خاموش ساختن این صدای تازه که به پیکار و نافرمانی فرا میخواند به کار انداخت تعظیم بود. سرنوشت این نبرد اما زود رقم خورد. نام فدایی کوتاه زمانی پس از تولد به پرچم پیکار آن چنان طیف وسیعی از دلیرترین و بهترین مردم و جوانان این سرزمین بدل گردید که دیگر محو آن در قدرت هیچ نیرویی نبود.

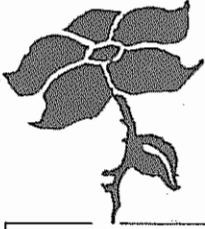
اراده و باور، اراده برای واژگون ساختن بساط ظلم و باور به آرمان‌های

رسیدند. در بهمن ماه ساواک حمله گسترده‌ای راهیله اعضای گروه در شهر تدارک دید. در عرض یک روز ۸ تن دستگیر شدند. این دستگیری‌ها در روزهای بعد ادامه یافت. حسن نیک داوودی یکی از رفقای دستگیر شده در زیر شکنجه ساواک به شهادت رسید و نام او بعنوان نخستین فدایی شهید در تاریخ جنبش ما به ثبت رسید. در ۱۹ بهمن ماه پیشگامان جنبش ما تصمیم به آغاز عملیات گرفتند و با حمله به یک پایگاه ژاندارمری در سیاهکل موجودیت خود را اعلام کردند. رژیم شاه عکس‌العملی باور نکردنی و غیر قابل پیش بینی نشان داد. سپهبد اویسی یکی از قضایان مردم در جریان انقلاب که در آن زمان فرمانده ژاندارمری بود، در راس صدها تن از اعضای ساواک و ژاندارمری رهبری عملیات سرکوب را بر عهده گرفت. فلامنشا برادر شاه نیز بر عملیات نظارت داشت. بدنبال ۴۸ ساعت نبرد شدید ۹ چریک فدایی با صدها ساواکی و ژاندارم، ۲۴ تن از رفقای ما رحیم سماعی و مهدی اسحاقی به شهادت رسیدند و ۷ تن دیگر دستگیر شدند. با این دستگیری‌ها رژیم توانست ۱۷ نفر از اعضای ۳۳ نفره گروه را بدام اندازد. از این عده ۱۳ نفر در ۲۷ اسفند ۴۹ به حکم دادگاه نظامی تیرباران شدند. اعدام شدگان عبارت بودند از: رفقا: علی اکبر صفایی فرامانی - اسکند رحیمی مچی - شعاع الدین

بیست و سه سال پیش جنبش ما به همت گروهی مرد دلیر در جنگلهای سیاهکل تولید یافت. سیاهکل فرشی در آسمان بی‌ابر نبود. سالها زحمت و کار صرف آن شده بود. بزرگترین نقش را در این میان گروه رفیق بیژن جزئی بر عهده داشت. پس از دستگیری بیژن و یارانش در سال ۴۶ بقایای گروه وی که حمید اشرف رهبر بعدی سازمان یکی از اعضای آن بود، بعد از مدت‌ها چاره جویی سازماندهی مباره مسلحانه علیه رژیم شاه را آغاز کردند. گروه بر این پایه سازماندهی شد و بسیاری از مقدمات کار نیز فراهم آمد. در سال ۴۸ علی اکبر صفایی فرامانی یکی از اعضای قدیمی گروه که سالها در فلسطین به سر برده بود به قصد سازماندهی یک گروه چریکی به ایران آمد. در ایران او با گروهی مواجه شد که آماده کار بود. ورود صفایی فرامانی گروه بیژن را که بعدتر به گروه جنگل مشهور شد تقویت کرد. گروه جنگل به دو بخش شهر و کوه تقسیم شد و در جریان تدارک عملیات خود با گروه مسعود احمدزاده پوریان، که آنها نیز طرفدار تئوری مبارزه مسلحانه بودند و بیشتر در گروه‌ها و محافل دانشجویی نفوذ داشتند، در ارتباط قرار گرفت.

در شهریور ماه ۴۹ دسته کوه شامل ۶ رزمنده، به قصد شناسایی منطقه و شروع عملیات هازم جنگلهای شمال شدند. اما شروع عملیات به دلیل اشکالات فنی تا بهمن ماه بتعویق افتاد. طی این مدت اعضای گروه به ۹ تن





# جنبش ماماندار است!

## شعرها، تاریخچه اندیشه مند

وقتی از عباس سخن میگوئیم، همه آنهایی را یاد می‌کنیم که از ما بودند ولی اینک در میان ما نیستند. رفتاری که، یگانه‌ترین‌های جنبش ما بودند؛ در هر زمان و در هر برهه که راه طولانی را در مسیری ویژه می‌پیمودیم. یاران از دست رفته‌ای که، همواره پیش‌تاز یگانگی با خود و یگانگی با آرمان‌ها و حرکت‌های سازمان بوده‌اند. آنان که، قلبی حساس بسان گلبرگ‌های شکوفان بهاری داشتند و آنان که، بگمان بسیاری شان هرگز در زندگی شعری نسروده و یا آنچه که فوران احساساتشان بود، بخاطر الزامات فعالیت سنگین روزانه به عهد در نماندند ذهن به بند کشیده بودند. اما، تصادفی نبوده‌است که بسیاری از این یاران، لحظان پایانی زندگی در شکنجه‌گاه‌ها را به زخمه شعر گذراندند و واپسین دم‌های گاه فرو رفتن در امواج نیستی را با سرایش شعر شمارش کردند. شعرهایی که، ارزش آنها نه در وزن و آهنگ و نه در گزینش واژه‌های بی‌بدیل و آفرینش تصویرهای بدیع هنری، که در باور ژرف آفریننده آن به تک تک واژه‌هایی است که در کنار هم نشستند، شعرهایی که، زلالی خود را مدیون جان‌های شیفته‌ای است که بخاطر زندگی از زندگی و جان گذشتند.

رفیق عباسعلی منشی رودسری از اعضای کمیته ابالتی اصمغان سازمان که به همراه صداهای انسان آزاده در فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی بدست رژیم، شرد خوانان اعدام شد در آخرین ماههای حیات خود سروده‌های خویش را به همسرش "بانو" می‌فرستد و در نامه‌ای به او می‌نویسد: "از تو می‌خواهم در حفظ آنها کوشش کنی. من با این شعرها فکر می‌کنم، آنها تاریخچه اندیشه مند."

آنچه در زیر می‌آید یکی از آخرین شعرهای رفیق عباس است که در واپسین روزهای زندگی سروده بود. روزهایی که، عباس و یارانش بوی فاجعه در شرف وقوع را شنیده بودند و پایمردانه در مسیر وداع با زندگی گام برمی‌داشتند. عباس نامگذاری اشعارش را بر همه همسرش گذاشته بود و ما نیز آنچه را که "بانو" باید به انجام رساند به او وامی‌گذاریم و شعر را بی‌عنوان می‌خوانیم:

در معبر باریک زمان  
آهنگ ناتمامی را آغاز کرده‌ایم  
آهنگ ناتمامی  
که دیگران  
ز نیمه نواخته‌اند  
و در نیمه راهش،  
بخواب رفته‌اند.

وما  
هم‌وزان این سمفونی  
چه خوش‌بختیم اگر  
آترابه پایان بریم  
و آهنگی دیگر آغاز کنیم.

اوین تابستان ۶۷

سیاسی آخوندها و تحمیلات ارتجاعی آنها بایجاد فقر و نابرابری اجتماعی آمیخته است. مردم کشور ما علیه رژیم بر خورداری از امکانات فراوان، در شرایط طاقت فرسایی بسر می‌برند. تشدید شکاف طبقاتی و مترکیم شدن ثروت جامعه در دست شمار کمی معدود و بسیاری دیگر ناانجاریهای اجتماعی، نیاز به نیروهایی که دمکراسی و رشد و عدالت اجتماعی را هدف خود قرار می‌دهند، بیش از پیش ساخته است. بنابراین حضور وجود جنبش چپ از همان مواضع و فریاد تاریخی خود تقویت خواهد شد. ما در پیکار برای نجات مردم و کشورمان ستم خود را ایفا خواهیم کرد. دستمایه ما در این مبارزه قبل از هر چیز مصالحی است که تمدن معاصر و از جمله تجربه نهضت سوسیالیستی در اختیار ما می‌گذارد.

در سالهای گذشته سازمان ما همزمان با پیدایش بحران در "سوسیالیسم هملا موجود"، به تلاش فکری گسترده‌ای برای درس آموزی از فرجام اکتبر دست زد. در سها و تجارب حاصل از این تلاش‌ها به زدایش انحرافات و تابوهای بسیاری در اندیشه و عمل ما منجر شد. خطر فروپاشی سازمان ما بر اثر کشمکش‌های درونی ناشی از بحران دفع شده و روند گسیختگی و کنده شدن نیرو از سازمان متوقف گشته است. در این دوره سازمان سعی نمود که به ستم خود بر تخصصات موجود میان نیروهای چپ فلبه‌کند و همکاری میان آنها را گسترش دهد. تحرک سیاسی نسبتاً مناسب و بهبود مناسبات سازمان با بخش مهمی از اپوزیسیون امیدهایی را در جهت کاهش پراکندگی در صفوف سازمان و افزایش کارایی آن آفریده است. اکنون نیروهای سازمان از دوره گنج سرتی بر اثر تحولات جهانی و بلوک شرق تا حدودی فاصله گرفته‌اند و به تبیین‌هایی در زمینه ارزشهای اعتقادی‌شان دست یافته‌اند.

در دو سه سال بحرانی‌ای که چپ ایران و سازمان ما پشت سر گذاشت، چه آنکه نگران دور شدن سازمان ما از هویت و انتخاب تاریخی خود بودند و چه آنکه آرزوی دور شدن ما از نهضت سوسیالیستی را در سر داشتند، بر خطا بودند. مافدائیان خلق در انتخاب تاریخی خود پابرجا هستیم و چپ خواهیم ماند. آرمانهایی که جنبش ما ۲۲ سال پیش بخاطر تحقق آنها آغاز شد، همچنان به قوت خود باقی است. ما مصممیم همچنان نیروی طرفدار صلح، دمکراسی و سوسیالیسم باقی بمانیم و بعنوان یک سازمان چپ همه نیروی خود را در راه نجات کشورمان از چنگال استبداد و فقر و فلاکت بکار گیریم. امروز انگیزه ما برای چنین مبارزهای کمتر از انگیزه‌های بنیانگذاران جنبش ما در ۲۲ سال پیش نیست.

حل دمکراتیک و انسانی معضلات جامعه معرفی می‌نماید.

چپ و اندیشه‌های چپ پیش از اکتبر و پیش از مارکس نیز وجود داشت. هر چند نقش همظیم خدمات مارکس را در گسترش بی‌سابقه افکار چپ نباید نادیده گرفت. و از این پس نیز تا زمانی که عوامل وجود آورنده آن از بین نرفته باشد، وجود خواهد داشت. موجودیت چپ از آنجا آغاز شد که انسان به وجود نابرابری در جامعه انسانی و اینکه این نابرابری امری طبیعی و گریزناپذیر نیست، آگاهی یافت. چپ زاده انتقاد از این نابرابری‌ها و مناسبات غیر انسانی در جوامع بشری است. انسان و حق او برای برخورداری از زندگی در خور شان و مقام او همواره نقطه هزینه چپ بوده است. جنبش چپ البته، در دوره‌های نه چندان کوتاه از تاریخ خود با جذب یک سری اصول و اسالیب و تبدیل آنها به شریعت و تقدیس آنها به کژراهه افتاد و بدست خود ضریبات سختی را به نتایج کار و پیکار خود وارد آورد، حتی در آن کژراهه نیز در جستجوی سعادت انسان بود.

در میان همه نیروها و نهضت‌های اجتماعی-سیاسی که خدسالاری، ناسیونالیسم و ملیت پرستی، سودپرستی یا فریدپرستی و شاه پرستی هزینه‌گاه آنها بود، انتخاب چپ انسان بود. انسان و کرامت او و حق و شایستگی او برای بهروزی و سعادت‌مندی همواره در مرکز آرمان و اندیشه چپ و وجه تمیزه هویت و سیمای او با سایر نیروها و نهضت‌هاست. چپ از آغاز پیدایش تا به امروز همواره بهترین و عالی‌ترین ایده‌ها و ارزشهای بشری را در کانون توجه خود قرار داده و جستجوی زندگی و نظمی عادلانه و شایسته انسان سمت اصلی پویه تاریخی چپ را مشخص می‌سازد. شکست یک تجربه و یک تلاش برای ایجاد نظمی عادلانه، نمیتواند نه در موجودیت تاریخی چپ و نه در سهمی که در پیشرفت جامعه بشری و تمدن معاصر داشته و خواهد داشت، خللی ایجاد کند.

سوی دیگر شکست تجربه اکتبر شکسته شدن آن پوسته‌ها و قالب‌های خشک محصور کننده در اندیشه جنبش چپ است که دهه‌ها آنرا از تحرک و پویایی متناسب با زمان بازداشت. درس بزرگ حوادث سال‌های اخیر در بلوک شرق این بود که: پاسخ به معضلات جامعه بشری در هر برشی از زمان رایباید در واقعیت‌های آن زمان جستجو کرد. هر الگویی، هر حکمی با هر پشتوانه‌ای اگر منتج از واقعیت‌های زمانی و مکانی خود نباشد به همان بیراهه‌ای راه خواهد برد که چپ دوره‌های طولانی به عهد در آن راه سپرد. در سها و تجاربی که نهضت سوسیالیستی از تجربه اکتبر گرفته و می‌گیرد هر چند به بهای سنگین - می‌تواند نقطه آغازی تازه برای حضور موثرتر در تحولات

اجتماعی سیاسی جامعه بشری است. چپ اکنون بیش از هر زمان دیگری خود را فراخ بال و بدور از قالب‌های تنگ فکری احساس می‌کند. درکی روشن‌تر و واقعی‌تر از اهداف و آرمانهای خود دارد و این می‌تواند و باید در خدمت گسترش نفوذ آن و راهبری و سازمانگری ارزشهای عالی انسانی قرار گیرد. ما تا آنجا که به سازمان ما بر میگردیم - سرطندی نمی‌کنیم که بزودی موفق خواهیم شد - برای آن اصول و اسالیبی که شکست تجربه اکتبر و شکست‌های سنگین احزاب کمونیست در اروپای شرقی را در پی داشت جایگزینی نو و در همین حال مشخص و عملی پیدا کنیم. اما قاطعانه و با اعتقاد می‌گوئیم: آنچه در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق رخ داد، به‌موجب معنای محکومیت ابدی بشریت به زیستن در شرایط و جامعه‌ای نیست که اقلیتی محدود بخش عمده ثروت جامعه و سرنوشته جامعه را بزیان اکثریت در کنترل و اختیار و انحصار خود قرار دهد. سرمایه‌داری حرف آخر تاریخ نیست. نیاز به تامین نظمی عادلانه و نیز مقاومت در برابر بی‌نظمی جاری که ناشی از تحمیل "نظم" مطلوب جهان زور و قارت بجای یک نظم بشری عادلانه است، گواه وجود زمینه رشد جنبش چپ در مقیاس جهانی است. جنبش چپ بدیل نیروهایی است که جنگ می‌آفرینند، قارت می‌کنند، آزادی انسان را زیر پا می‌گذارند، و رشد همه جانبه جامعه بشری را بگونه‌ای که همه بشریت از آن نصیب برد، سدی می‌کنند.

نهادلانه بودن نظم جامعه بشری در کشور ما سیمای واضح‌تر و هریان تری هم دارد. بیدادگری

با گذشت یک ۱۹ بهمن دیگر، سازمان مایست و دومین سال بنیانگذاری خود را پشت سر گذاشت و سال تازه‌ای را در فعالیت خود آغاز نمود. در ۲۲ سالی که از تولد جنبش فدائیان خلق می‌گذرد، هر ۱۹ بهمن برای ما فرصتی بوده تا به آنچه که پشت سر نهادیم نگاهی بیندازیم و تاملی داشته باشیم در مسائل و مشکلات، تجارب و درسهای یکسال فعالیت مان. همه ساله این رسم ما بوده و شور شوق بزرگداشت تولد سازمان نه مانع از انجام آن که حتی محرک و انگیزه آن بوده‌است.

در سالی که گذشت سازمان ما در پیشبرد مبارزه‌اش علیه سطره استبداد سیاه آخوندی بر میهنمان بویژه در بکارگیری همه امکانات خود ضمن موفقیت‌هایی که داشت هنوز با دشواری‌های روبرو بود و طبعاً نتوانست همه انرژی خود را در این راه بسیج کند. همینطور سال گذشته نیز همچون سالهای قبل دوری از متن و صحنه واقعی کار و پیکار و ضعف پیوند با داخل کشور بخشی از مافدائیان را که در مهاجرتیم آزار داد. اما، هیچکدام از اینها مشکل اصلی و عمده ما در سالی که پشت سر نهادیم، نبود. بنظر می‌رسد بار بحران ناشی از شکست الگوی "سوسیالیسم هملا موجود" که دو سه سالی است بر گرده همه چپ در سراسر جهان سنگینی میکند، باز هم عمده مسئله‌ای بود که سازمان ما سال گذشته نیز از آن رنجور بود. گرچه تب و تاب فکری و مباحث نظری حول بحران چپ در سالی که گذشت تا حدودی کاهش داشت. حداقل تا آنجا که به سازمان ما مربوط می‌شود. لیکن، این بهمنی تخفیف آثار و تبعات بحران نبود. این تقلیل تلاش‌های نظری به اعتباری خود از پیامدهای بحران بود، آنهم در شرایطی که می‌نهمیم برای دفاع از هویت و اصالت و حقانیت تاریخی چپ در برابر انواع تحجمات تلاشی دو چندان ضرورت دارد. بنظر می‌رسد که مشکلات اساسی چپ ایران در باز یافت توان بالقوه خود، هنوز ناشی از پیامدهای این بحران است و چپ و عیناً سازمان ما باید باز هم در این باره صحبت کند و بگوید آنچه که اتفاق افتاد چه بود و چه برداشتی از آن دارد و چه در سهایی می‌گیرد.

شکست تجربه اکتبر و شکست تلاشهای نو سازی "سوسیالیسم هملا موجود" نهایتاً به فروپاشی اتحاد شوروی نیز منجر گردید. سالی که گذشت جهان ما بدون حضور اتحاد شوروی بسر برد. جبهه سرمایه‌داری سعی نمود شکست و تلاشی اتحاد شوروی را به حساب پیروزی خود در جنگ سرد و آن را نیز یک پیروزی تاریخی در برابر چپ و اهداف و آرمان‌های آن بحساب آورد. سعی نمود چنین وانمود کند که پیکار تاریخی میان هداالتخواهی و نابرابری، میان استثمار و نغی استثمار یا پیروزی جبهه سرمایه‌داری و حامیان استثمار و نابرابری پایان رسیده‌است.

قطعا جبهه آرائی اقتصادی، سیاسی و نظامی سرمایه‌داری در مقیاس جهانی علیه تجربه اکتبر که در تمام طول عمر آن ادامه یافت. در شکست آن تاثیر جدی داشته‌است، اما به دلایل بسیار خدایی که تعیین کننده بودند شکست سوسیالیسم هملا موجود نتیجه آن عواملی بود که خود بوجود آورنده آنها بود. نظامی بوروکراتیک و فاقد هرگونه انگیزه و محرک درونی و رشد، سیستمی که آزادی و منافع انسانها را قربانی تابوها و قالب‌های خشک ایدئولوژیک کرده بود، نظامی که قبل از همه بدست خود، خود را از جریان عمومی تمدن جهانی دور نگاه داشته بود و رویارویی و مقابله جویی با دنیای خارج را می‌ستود، بالاخره روزی از حرکت بازمی‌ماند و کشتی آن به گل می‌نشست. حتی اگر سیستم فرماندهی-پلیسی اداره کشور همچنان تا به آخر دوام می‌آورد و فشار خرد کننده جنگ سرد بالای سر آن وجود نمی‌داشت.

دلایل شکست تجربه اکتبر را باید در آن تصورات و نقشه‌ای از پیش طراحی شده و با چهار چوب صلب دید که می‌خواست در یک جامعه دهقانی و بشدت عقب مانده، "سوسیالیسم" بنانهد. تلاشی که بیگانه با آن سوسیالیسمی بود که مارکس آن را نتیجه رشد سرمایه‌داری و در فرجام آن می‌دید. بنابراین با قاطعیت باید گفت شکست تجربه اکتبر تنها شکست یک تجربه بود و نمی‌تواند شکست آرمان سوسیالیسم باشد. آرمانی که قبل از هر چیز خود را با جانبداری از



**بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هرچه باشکوهرتر برگزار کنیم!**

**جشن سالگرد با شرکت هنرمندان :**  
**عارف و عالیشان**  
خواننده مشهور ایران و خواننده باران و برج و بهار

زمان : شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳  
ساعت ۶ بعد از ظهر

محل : آلمان-بن

BEUEL-HÖCKEN  
**FORUM**  
Friedrich-Breuer-Str. 17  
5300 Bonn 3 · Tel. 02 28/46 03 79

فر و ش بلیط در محل جشن

## حزبیت مسئله مبرم جامعه ما

بهروز خلیق

فشارها برای برداشتن سد موجود در مقابل شکل‌گیری و فعالیت تشکلهای چه در عرصه صنفی و دموکراتیک و چه در عرصه سیاسی در جامعه مرتباً افزایش می‌یابد. این فشار، امروز حتی از جانب بخشی از نیروهای جمهوری اسلامی که دیروز پیشگام سرکوب سازمانها و احزاب سیاسی مخالف بودند، نیز اعمال میشود. مدتهاست که ضرورت حزبیت در مطبوعات، سخنرانی‌ها و در محافل سیاسی کشور مطرح میشود. نمونه آن قطعنامه "دانشجویان پیرو خط امام" در مراسم ۲۳ آبان بود که در آن خواستار فعالیت قانونی احزاب سیاسی شده بودند. اخیراً نیز در مطلبی با عنوان "دانشجو، آزادی، احزاب" به قلم بهروز گرانپایه که در روزنامه سلام چاپ شده، فعالیت احزاب مطرح است که در نامه خوانندگان و در لابلای مقالات در برخی از روزنامه‌های وابسته به نیروهای جمهوری اسلامی طرح می‌گردد. حکومت اسلامی تاکنون هم احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف را شدیداً سرکوب کرده و اجازه فعالیت به تشکلهای صنفی و دموکراتیک مستقل را نمیدهد و هم مانع میشود که نیروهای وابسته به نظام حزب سیاسی تشکیل دهند. حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که توسط نیروهای اسلامی در ابتدای انقلاب تشکیل شده بودند، بعد از چند سال با حکم خمینی منحل شدند. اخیراً دوباره به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اجازه فعالیت داده شد که ظاهراً فعالیت آن نمود مشخصی ندارد.

برخورد حکومت اسلامی در مورد امر حزبیت و تشکل‌های در نظام ولایت فقیه و خصلت استبدادی آن دارد. زمانی که روحانیون به قدرت چنگ انداختند و اهزم‌ها را تسخیر کردند، دیگر یاری تحمل و پذیرش توریته و تشکل بالاتر از دستگاه روحانیت را نداشتند. آنها نمی‌توانستند بپذیرند که ارگان دیگری اعمال

اتوریته بکند. بعلاوه نظام اسلامی که بر پایه "ولایت مطلقه فقیه" استوار است و فقیه بالاتر و برتر از قانون اساسی قرار دارد، با سیستم حزبیت هم خوانی ندارد و خصلت استبدادی آن هم اجازه نمیدهد که سازمانهای سیاسی مخالف هم فعالیت کنند. روحانیت در حقیقت هم نیروهای مخالف و بخش مهمی از ائتلاف جامعه را از تشکل شدن باز داشته است و هم نیروهای خود نظام را.

مدتهاست که در دوران حکومت جمهوری اسلامی از جمله روحانیت گرایش‌هایی، شکل گرفته است که هر یک دیدگاهها و مواضع مشخص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشخصی را نمایندگی می‌کنند و تا حدود زیادی خواسته و منافع اقشار معینی از جامعه را بازتاب میدهند. این گرایشها بویژه در سالهای اخیر کاملاً تفکیک شده و وجه تمایز آنها روشن گردیده است. این گرایشها تاکنون به صورت جناح‌ها نمود یافته است. بخشی از نیروهای جناح‌ها در تشکلهای غیر فزاینده نظیر انجمن‌های اسلامی گرد آمده‌اند ولی این گونه تشکلهای هیچ وجه خصلت حزبی نداشته و جای آن را نگرفته است. اکنون بخش مهمی از گرایشهای موجود در حکومت مدتها حول روزنامه‌ها گرد آمده‌اند و روزنامه‌ها را به تریبون خود تبدیل کرده‌اند. روزنامه کیهان بطور مشخص به خدمت حزب‌های دو آتش و قشریون درآمده است. روزنامه رسالت بازتاب دهنده دیدگاهها و مواضع جناح رسالت است. روزنامه سلام به ارگان حزبی "خط امامی‌ها" تحول یافته تبدیل شده است و روزنامه اطلاعات نیز به خدمت رفسنجانی و یاران او درآمده است. اکنون بخش مهمی از کشمکش‌های درون حکومتی به حوزه مطبوعات منتقل شده است. این وضع در مورد نیروهای غیر حکومتی نیز با شدت بیشتر مطرح است. مدتهاست که گرایشهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی صنفی

## انقلاب، حق خدشه‌ناپذیر پایمال شدگان

ف. تابان

انقلاب یا فرم، دگرگونیهای یکباره و بنیادین یا تغییرات تدریجی اصلاح طلبانه؟ موضوعی که دیرگاهی است مباحثین را به دو نیروی متمایز تقسیم کرده است. جامعه ایران اما دوباره پیرامون این سوال به تفکر نشسته است. آنچه این تفکر را موجب شده، از یکسو شکست تلخ بزرگترین تلاش مردم ایران برای رهایی از استبداد و از سوی دیگر شکست تلخ عظیم‌ترین تلاش بشریت برای دستیابی به عدالت و سوسیالیسم بوده است. چه آن تلاش در مقیاس جهانی و چه این تلاش در مقیاس ملی، هر دو از راههای انقلابی صورت گرفتند و این رو طبیعی است که سرخوردگی از انقلاب و بدبینی به آن نه تنها در توده‌های مردم، بلکه در نیروهای مبارز نیز فزونی گیرد و باردیگر آنها را بدین سوال اساسی بازگرداند که جامعه ایران از چه راهی باید سعادت و بهروزی خود را جستجو کند.

در کشور ما آنچه به ابده مخالفت با انقلاب رونق می‌بخشد، حاکمیت رژیم است که ثمره انقلاب بوده است و جز دردورنج و تباهی برای مردم رهاورد دیگری نداشته و جامعه را با بحرانهایی سخت مواجه کرده است. در نزد بسیاری همه گناهان و جنایات حکومت اسلامی به پای انقلاب نوشته می‌شود و گناه و جنایت آن محسوب میشود و دامنه این استدلال تا آنجا کشیده می‌شود که نه تنها انقلاب بهمن، بلکه هر انقلابی با قهر و خشونت و ویرانی که هیچ منفعتی برای هیچ جامعه‌ای ندارد یکسان گرفته میشود. تجربه تاریخی چنین استدلالاتی را تأیید نمی‌کند. انقلابات بسیاری بوده‌اند که در خورین منجر شده‌اند، اما انقلاباتی نیز بوده‌اند که راه دموکراسی و پیشرفت را هموار نموده‌اند. انقلابهای قرن ۱۹ اروپا که راه دموکراسی و پیشرفت در این تارخ را گشودند و انقلاب مشروطه در ایران که بساط سلطنت مطلقه فئودالی را برچیداز زمره اینگونه انقلاب‌ها بوده‌اند.

برای یک حزب سیاسی مبارز مساله نمی‌تواند در مقایسه بین دو روش، رجحان یکی بر دیگری و توصیه‌های اخلاقی برای گزینش این یا آن شیوه باقی بماند. برای چنین حزبی مساله اساسی شناخت جامعه‌ای است که در آن عمل می‌کند و الزاماتی که این جامعه را ناگزیر بسوی انقلاب و یا فرم می‌کشاند. تجربه تاکنونی نشان می‌دهد که اصلاح جامعه و حکومت از راه دگرگونیهای تدریجی شیوه‌ها و ابزار خاص خود را می‌طلبند. ثبات نسبی جامعه، حداقلی از آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک و وجود نهادها و تشکلهایی که بتوانند اصلاحات را بر حکومتها تحمیل کنند، از جمله این ابزارها هستند. متأسفانه اکثر کشورهای جهان سومی و دیکتاتورزده فاقد حداقل این شرایط بوده‌اند و به همین دلیل تقریباً تمامی انقلابهای چند دهه اخیر در این گونه کشورها به وقوع پیوسته است. این انقلابها نه توطئه گروهی توطئه‌گر و یا حتی حزبی سیاسی، بلکه برخاسته از شرایط عینی چنین جوامعی بوده است. بی‌ثباتی شدید و تضادهای عمیق طبقاتی، اجتماعی، اقتصادی سیاسی و فرهنگی که بدلیل سلطه استبداد باقی می‌مانند و مترکم میشوند عامل اصلی گرایش جامعه به سوی انقلاب و تغییرات رادیکال بوده است. توده‌های مردمی که عامل این انقلابات بوده‌اند، معمولاً به قصد انقلاب و زیرو رو کردن همه چیز به مبارزه روی نیاورده‌اند، اما شدت تضادهای انباشته شده، حقوق به شدت پایمال شده و مقاومت طبقات حاکم کارزار را به انقلاب کشانده است. این فکر کاملاً نادرستی است که برائت این یا آن حزب از مبارزه انقلابی می‌تواند ریشه‌های انقلاب در چنین جوامعی را بخشکاند.

اصلاحات تدریجی و فرم‌ها که در برابر انقلاب قرار داده می‌شود، در این گونه کشورها معمولاً به صورت انگیزه‌ای برای انقلاب و فوران نیروها و خواسته‌های سرکوب شده جوامع به منظور تغییر نظام بنا شده بر

مظلوم و ستم عمل کرده است. بسیاری از زخم خوردگان انقلاب بهمن و جمهوری اسلامی هنوز در این حسرتند که چرا جامعه ایران صبر نکرد تا اصلاحات شاهانه که با فضای باز سیاسی آغاز شده بود به ثمر بنشیند. اما به جای حسرت خوردن باید در این نکته تعمق نمود که چرا جامعه آن فرم‌های تخته پرش یک انقلاب که نابودی نظام سلطنتی را هدف قرار داده بود، تبدیل کرد (و این جامعه برآستی تقریباً تمامی جامعه بود و نه آن طور که اینروزها برخی‌ها اصرار دارند و انمود کنند بخش عقب‌مانده و سنتی آن). پوچ‌ترین فکر آن است که تصور شود مواضع خمینی جامعه ایران را به سوی انقلاب کشاند. بهتر او در این بود که این تمایل و خواست را بدرستی شناخت و خیانت او در این بود که از این تمایل و خواست در جهت اهداف ارتجاعی خود سود جست. تجربه انقلاب بهمن اثبات این تجربه بارها تکرار شده بود که در جوامع به شدت سرکوب شده و استبدادزده، اصلاحات تنها آتش انقلاب را تیز میکند و بهمین هلت است که این جوامع کمتر روی اصلاحات واقعی را بخود می‌بینند.

اعلام برائت از انقلاب و رادیکالیسم هیچ‌کدام از این واقعیات را تغییر نمی‌دهد. شورش علیه نظامی که جز بندگی و بردگی ثمره دیگری ندارد حق طبیعی پایمال شدگان است. ننی این حق آهم بنام دموکراسی و حقوق‌بشر، بزرگترین توهین به دموکراسی و حقوق بشر است. یک حزب سیاسی چپ باید این شمامت و شجاعت را داشته باشد که از این حق باصدای بلند دفاع کند و این نخستین شرط برای مقابله با نیروهای کور و ارتجاعی است که در هر انقلابی حضور دارند و نخستین شرط برای آن است که انقلاب و شورش محرومان به مسیر اصلاحات، دموکراسی و سازندگی هدایت شود.

## واقعیتی که نباید آرزویش کرد

علی اکبر قنبری

در جامعه انباشته از تناقضات و گریه‌های کوره در جامعه استبداد زده و منقسم به حده قلیلی دارا و اکثریتی نادر همراه با فساد و سوء مدیریت و وابستگی آشکار زمامداران به بیگانگان و در جائیکه مدرنیسم هاریتی و بی‌پایه با فرهنگی نازل و بی‌مایه به زور بی‌پروا در حلق جامعه همیقا سنتی ریخته شود، وقوع حوادثی که در سراسر سال ۵۷ روی داد و به بهمن ۵۷ منتهی شد، گریز ناپذیر بود. انقلاب بهمن در ایران واقعیتی بود که اتفاق افتاد و ارتباطی به دسیسه خارجی یا ضعف سیاست و سردرگمی در کاخ سفید (چنانچه برخی از طرفداران نظام سابق عقیده دارند) نداشت. قلیانی بود که از بطن جامعه ایران جوشید و خمیرش بود که استبداد و همه نارااستی‌های حکومت شاه موجود و محرک آن بود.

لیکن، نه انقلاب بهمن به ثمر نشست و به آرزوی بیش از یک قرن ایرانیان برای زیستن در آزادی پاسخ داد و نه به احتمال قوی اگر

عین‌البراین واقعیت نیز باید تاکید کرد که با وجود گذشت ۱۴ سال از انقلاب بهمن، استبداد و نقض حقوق مردم، شکاف میان دارا و نادر و فساد و سوء مدیریت به مراتب بیش از آستانه انقلاب بهمن است و جای شبه مدرنیسم شاه را تحمیلات بشدت عقب مانده و قرون وسطایی گرفته است. چنانچه اگر تغییری در اوضاع بسود ایجاد نفا وامکانات ضرور برای طرح مطالبات مردم و تحقق آنها بدون توسل به شورش و خشونت از جانب حکومت صورت نگیرد، امکان عصیان و تکرار حوادث سال ۵۷ نه تنها امکان پذیر بلکه حتی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

لیکن، نه انقلاب بهمن به ثمر نشست و به آرزوی بیش از یک قرن ایرانیان برای زیستن در آزادی پاسخ داد و نه به احتمال قوی اگر

انقلاب دیگری روی دهد شانس بیشتر از انقلاب بهمن برای پیروزی دموکراسی در ایران خواهد داشت. حال سؤال این است: آیا بدون توجه به نتایج "انقلاب" در کشور ما و تنها به این خاطر که شورش و انقلاب حق مردم در برابر استبداد و ستمگری است، می‌توان انقلاب را ستایش کرد و محمتر از آن به استقبال آن رفت؟

صحت از نه هر انقلابی و در هر جایی بلکه انقلاب در کشور ما به مفهوم قیام توده‌ای و انفجار فوران احساسات مردم است. مسئله هم این نیست که چون انقلاب بهمن شکست خورد، پس انقلاب بی نتیجه است. منصفانه اگر تضاد کنیم شکست انقلاب بهمن و پاگیری یک استبداد دیگر تنها از آبرو نبود که آخوندها بر آن سوار شدند و قدرت را بدست گرفتند. هر کس و هر نیروی دیگری - حتی مدعی‌ترین آنها در وفاداری به دموکراسی - در آن موقع بقدرت می‌رسید، اینطور نبود که به‌استقرار دموکراسی بیانجامد. هر چند کارنامه‌ای که آخوندها تاکنون

از خود بجای گذاشته‌اند از کمتر حکومتی برمی‌آید. دموکراسی در هر جامعه‌ای با فرهنگ و سنن سیاسی جامعه، رابطه نیروهای اجتماعی - سیاسی با یکدیگر پیوند دارد. عدم تحمل مخالفان تا حد حذف فیزیکی آنها، انحصار طبیبی و زیاده خواهی از خصوصیات جامعه سیاسی ایران بوده و هنوز هم فرهنگ و منش مسلط آنست. امروز هستند در میان اپوزیسیون نیروهایی که فردا اگر بقدرت بر سندان قلم زهر آگین امروزشان تبدیل به گلوله‌های سربی خواهد شد هر چند در وفاداری به دموکراسی و حقوق بشر به هزار آیه و تقسم متوکسل شوند.

گفتیم که هم اکنون در کشور ما بدلیل سلطه استبداد و گسترش بی‌سابقه فقر زمینه برای انفجار توده‌ای آماده است، ولی هیچ چیز دیگری جز این برای آنکه این انفجار یا انقلاب بتواند به نتیجه رسد و مانع از ظهور یک دیکتاتوری دیگر شود، آماده نیست.

اگر این "آرزو" عملی

می‌بود که نیروهای دموکرات و ترقیخواه شورش توده‌ها را به مسیر دموکراسی و سازندگی بکشاند چرا نباید به استقبال چنین شورش رفت؟ صحبت نه بر سر فرم یا انقلاب بلکه قبل از هر چیز بر سر راه و روش متضمن به مقصود در جامعه ایران برای نجات کشور از چنگال استبداد و سقوط و تباهی و آغاز فرایند استقرار دموکراسی در کشور است و در مختصات کنونی کشور ما این راه، راه قیام و شورش و انقلاب نیست.

در هیچ شورش و انقلابی مردم بجان آمده قدرت را بدست نمی‌گیرند. قدرت بدست‌آهنائی می‌افتد که قابلیت سوار شدن بر موج شورش را دارند. همانطور که در رویدادهای سال ۵۷ در باره خمینی و روحانیون اتفاق افتاد. بعد از قیام بهمن این حق از مردم گرفته شد که با رای خود دولت تعیین کنند. خمینی گفت: رای مردم در خیابان‌ها داده شده است و دیدیم دولت و حکومتی که با "رای مردم در خیابانها" تعیین شد چه فرجامی میداد که این تنها فرجام انقلاب بهمن نیست. شورش دیگری از این پس نیز باشد.

تشدید بحران و سیاست‌های خشن حکومت اوضاع را برای بروز طغیان در جامعه کاملاً آماده کرده است این احتمال روز بروز قوت می‌گیرد که سیر حوادث به سوی انفجار پیش رود. اما منافع ایران و منافع جنبش دموکراسی برای ایران در آن نیست که به استقبال چنین وضعی برود. باید آرزو کرد و محمتر از آن باید مراقبت کرد آن تحول تدریجی که مدتهاست در روش و منش جامعه سیاسی ایران قبل از همه در میان روشنفکران و بخشهای قابل ملاحظه‌ای از اپوزیسیون - بسود تحمل هم‌دیگر و پذیرش کثرت گرایی آغاز شده است، سیر تکوینی خود را طی کرده و فراگیر شود. این تحول همراه است با فعالیت چشمگیر روشنفکران که به‌مسأله بسود دموکراسی است. آینده دموکراسی در ایران به میزان زیادی به فرجام این تحول بستگی دارد.





از گزارش نماینده سازمان در کنگره حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان

کنگره سوم تدارکی تازه برای آینده

که به رهبری شخصیت‌هایی چون مدرو، دکتر گیزی، پرفسور شوین، دکتر کافمن و پرفسور لوتاریسکی و فیره پایه گذاری گردید توانست پرچم دفاع از کار و زحمت را مقابل چپاولگران سرمایه داری برافراشته نگاه دارد

مستند اکثر پرفسورهای دانشگاهها بوده اند و کار آکادمیک میکردند و زمان می‌خواهد تا زیر و بم سیاست را بیاموزند. سال ۹۴ را سال رشد جدی حزب پیش بینی می‌کنند و خود را برای آن مرحله آماده می‌سازند. این نظر میانه بر



کنگره حاکم بود و اتفاق آرا در انتخاب دبیر کل جدید رایبخت شد. کنگره با قدردانی بسیار از نقش تاریخی هنس مدرو، او را بعنوان صدر حزب برگزید.

برنامه‌ای که کنگره سوم PDS به تصویب رساند بیش از یک سال در حزب مورد بحث و دقت قرار گرفته بود. نکات برجسته این برنامه را به اجمال می‌شود چنین برشمرد: ۱- نگرشی انتقادی به تعلیم و تربیت و نظام آموزشی آلمان و ارائه برنامه‌های نوین که در آن به نیروهای ضد نژادپرستی اجازه داده شود علیه نژاد پرستی و ناسیونالیسم از سطح مدارس ابتدائی با کار علمی و آموزشی نوجوانان آلمانی را بدور از انحراف نژادپرستی و خارجی ستیزی برآورند. مبنای این بخش از برنامه توسط گروه تحقیق مربوطه، به شکل یک کتاب که پداگوژی نوینی را معرفی میکند چاپ و انتشار یافته است. همچنین در این بخش بر تامین کامل مادی محصلین و دانشجویان بدون درآمد یا کم درآمد تاکید شده است. ۲- پذیرفتن خارجی‌ها بعنوان انسان برابر حقوق با شهروندان آلمان و تامین حق رای برای آنها در انتخابات محلی و سراسری ۳- در

و حزبی که در شرایط بحرانی کنونی قادر شد از اعتبار اجتماعی برخوردار گردد و در ردیف احزاب قدرتمند قد علم کند؛ در پارلمان کشور آلمان و در پارلمان ایالتی کشور و در پارلمان اروپا نماینده داشته باشد. چنین رویش قدرتمندی بی‌شک بوجود آورنده روندهای گوناگون بر خورده به گذشته، حال و آینده می‌باشد. حزب از یک دو اقلیت در دو سر طیف

بحث‌های کنگره خود نمائی می‌کردند: ۱- طرفداران تندرو نوسازی و در اختیار گرفتن ساختارهای جدید. ۲- طرفداران تندرو دفاع از گذشته و در اختیار گرفتن ثمرهای مارکسیست-لنینستی حزب و بازگشت به سوسیالیسم با اصلاحات. اکثریت قریب قابل رقابت (بلامنازع) مدافع تمام نکات و دستاوردهای مثبت گذشته بود و در پی شناختن و بکار بستن آنها، خواهان برداشتن گامهای سنجیده بسوی آینده با پذیرفتن نرم‌های تازه‌ای که از واقعیت برخیزد و مانع لغزش‌های ذهنی و ابتکارات روشنفکران جدا از مردم باشد. این نیرو صادقانه اعتراف می‌کند که رهبران فعلی حزب همه‌آمتور (فیر حرفه‌ای)

در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۲۹ ژانویه ۱۹۹۳ با شرکت متجاوز از ۸۰۰ نفر شرکت کننده، کنگره سوم PDS آلمان (حزب سوسیالیسم دموکراتیک) آغاز به کار کرد و تا ساعت ۷ شب ۳۱ ژانویه ادامه یافت. این کنگره ۲ وظیفه اساسی در دستور کار داشت: ۱- ترمیم هیئت اجرائی حزب و ۲- تصویب برنامه، که هر دو با موفقیت به انجام رسانید. گزارش گرگور گیزی (دبیر کل حزب) و دلائل استعفاء او موجی از احساسات جانبدارانه از گیزی را بر فضای کنگره حاکم کرد، این احساسات نشان داد که کنگره بدون تردید گیزی را تأیید می‌کند و اگر او استعفاء نمی‌داد کسی کاندید این مسئولیت نبود. سپس کنگره به بحث پیرامون گزارش گیزی پرداخت و آنگاه بحث پیرامون برنامه تا ۲ بامداد ۳۰ ژانویه ادامه یافت. و طی ساعات اول پس از نیمه روز امر انتخاب دبیر کل جدید به انجام رسید که از ۵۰۱ رای دهنده، ۲۹ ممتنع، ۲ رای باطل و ۴۶۲ رای موافق به پرفسور لوتاریسکی نماینده اول مردم شهر براندنبورگ تعلق گرفت. سپس معاون دبیر کل و دبیر اول (دبیر تشکیلات) انتخاب گردیدند. آنگاه بحث روی مواد برنامه با نظم پیش رفت.

این کنگره چه مسائل مهمی را می‌خواست حل کند و اصلاً چرا PDS کنگره فوق‌العاده فرا خوانده بود؟ مسئله اصلی این کنگره چه بود؟ اینجا سئوالاتی هستند که جریان کنگره به آنها پاسخ داد. ظاهراً مسئله اصلی کنگره انتخاب دبیر کل جدید پس از استعفاء گیزی بود. هر چند این امر چنین اهمیتی داشت، لکن خود منبعث از مسائل و روندهای اجتماعی-سیاسی و بازتاب آنها در درون حزب بود که اختلاف نظرها و دیدگاهها و چشم‌اندازهای گوناگون را بوجود می‌آورد. حزب از درون تکانه‌های سنگین اواخر ۸۰ و از زیر آوار فروپاشی سوسیالیسم بوروکراتیک حاکم بر بلوک شرق اروپا بیرون آمد. حزب جدیدی

نکاتی درباره چند فیلم

ادامه از صفحه ۵

علی حاتمی که در سالهای پیش با فیلمهایی همچون "حسن کچل" و "سلطان صاحبقران"، "کمال الملک"، "حاجی واشنگتن"، "جعفرخان از فرنگ برگشته" و "سریال بی خطور و بطور پر خرج" هزار داستان" دلپسنگی تحریف گرایانه و غیر خلاقانه خود به تاریخ را به نمایش گذاشته، اخیراً نیز با ساختن فیلم "دلشدگان" همین سبک و سیاق را بی هیچ کاست و فزودی پی گرفته است. فیلم سرگذشت تعدادی نوازنده را نشان میدهد که بخاطر هلاک به موسیقی از حرفه اصلی خود دست کشیده و گروه نوپایی را بوجود می‌آورند. این گروه با کمک مالی احمد شاه برای ضبط گوشه‌هایی از موسیقی سنتی ایران به اروپا می‌رود و در آنجا با مشکلاتی همچون تنگناهای مالی، فم غربت، کمبود خواننده، دلدادگی و مرگ هاشقانه، ناآشنایی با محیط و... مواجه میشود. اما نه صدای شجریان، نه آهنگ علیزاده، نه دکوراسیون و صحنه‌آراییها و نه برخی بازیهای خوب هنرپیشگان فیلم نتوانسته است ضرابهنگ و یکنواخت و بی‌تنش فیلم، شخصیت‌های یکسویه و کلام مدرسی و تصنعی آنها و بیش از همه گذشته‌گرایی نوستالژیک و واپس گرایانه حاتمی را بیوشاند. در واقع حاتمی با چنگ زدن و تحریف مکرر تاریخ قسماً مبهم و ناروشن دوران قاجاریه و با تصویر تعلقات ذهنی خود به مناسبات آن دوران، بی‌آنکه حرفی برای اکتونینان داشته باشد و یا تأثیری بر فضای ذهنیت تاریخی آنها بگذارد، تنها تدرستی ادعای خود مبنی بر "حقیقت جویی" را به نمایش میگذارد. به راستی انسان معاصر ایران از فیلم‌های حاتمی که روزگار سراسر جمل و فغلت دوران قاجار، مناسبات ظالمانه و نکبت بار و هویت پامال شده انسان آن زمان را تحریف و بزک کرده و از آن روزگار تصویری طلائی و آرمانی مرضه میکند، چه طرفی می‌بندد؟

مسعود کیمیایی اخیراً دست اندر کار ساختن فیلمی است به نام تجارت که شاید به کله سیاه تغییر نام یابد. ماجرای فیلم سرگذشت پسر سرهنگی است که با مادرش در بخوبه جنگ و بمباران شهرها به آلمان می‌روند. مادر بعنوان مدد کار اجتماعی در آلمان شروع به کار میکند و چندی بعد به سرهنگ

هر صه سیاست بین‌المللی مبارزه علیه سیاست افسار گسیخته کنسرنهای بزرگ سرمایه‌داری جهت تامین تعادل ثروت در جهان و جلوگیری از تخریب بی‌وقفه طبیعت، مبارزه جهت جمع‌آوری سلاح‌های هسته‌ای و گرمای-تحدید تولید سلاح از هر نوع و تلاش در راه تامین شرایط صلح پایدار در جهان ۴- اشتباهات سوسیالیسم ۵- تعریف جدید از سوسیالیسم ۶- راه‌های آلترناتیو در پیش ۷- دمکراتیزه کردن جامعه ۸- جلوگیری از رشد راست افراطی (فاشیسم) ۹- پایان جنگ سرد در آلمان ۱۰- تغییر سیستم تولید مزدوری ۱۱- نوسازی سیاست‌ها و اهداف ۱۲- سازماندهی سیاست بهداشت عمومی ۱۳- تغییر اقتصاد بطور اجتماعی و اکولوژیک ۱۴- مسائل انسانی مربوط به سالمندان، بیمه و نگه‌داری از آنها و بسیاری موارد دیگر که بطور پی در پی مسئله اکولوژیک را نیز در بر می‌گیرد ۱۵- به رشد بیکاری نیز پرداخته و با بررسی ریشه‌های آن راه حل‌هایی پیش نهاد کرده است. این رؤس بدون ترتیب ذکر شده‌اند و تنها بخشی از برنامه را معرفی می‌کند. کنگره PDS حاوی مسائل آموزشی هدیده‌ای برای جنبش چپ دمکراتیک است که سعی می‌کنیم در شماره‌های آینده کار به درج آنها بپردازیم. این موارد عبارتند از: متدولوژی تحریر برنامه - مطالب مهم برنامه مصوبه - چگونگی کار کنگره.

کنگره در بخش بین‌المللی فعال بود و از ۳۹ حزب، سازمان و یا شخصیت دعوت بعمل آمده بود، نام سازمان ما در ردیف مهمانان کنگره چاپ شده و در آغاز کنگره بعنوان مهمان و نیز پیام دهنده به کنگره در کنار حزب کمونیست کوبا، ویتنام، سازمان آزادیبخش فلسطین، احزاب کمونیست اروپا و جنبش‌های دمکراتیک اروپا-آفریقا و آسیا توسط رئیس جلسه اعلام گردید.

خبر میدهد که پسرشان به اتهام یک قتل بازداشت شده است. به رقم بی‌گناهی پسر که به درس و تحصیل اشتغال دارد، مادر نمیتواند وی را از زندان برهاند. لذا سرهنگ خود به آلمان می‌رود و در جریان آزاد کردن فرزندش با مسائل بسیاری همچون وکیل ایرانی، جوانان و دانشجویان آلمان، هم دوره‌ها و دوستان پسرش، درگیری و تبعیض نژادی، موج ضد خارجی، زندگی مهاجرین، مردم هادی ترسیده و... روبرو میشود.

کیمیایی در باره فیلم در دست تعیهاش با مجله فیلم و سینما (شماره ۲) مصاحبه‌ای کرده و در آن بدون اشاره به پدیده‌هایی همچون جنگ، سرکوب، تحسلی و گریستگی و... در تشدید مهاجرت همه مهاجرین را افسون شدگان جذابیت قرب دانسته که پس از ورود به غرب و دیدن واقعیت‌های دشوار زندگی در این جوامع، سرخورده شده و اغلب به انحراف و کژ راه کشیده میشوند. کیمیایی البته برای مهاجران ایرانی حساب جداگانه‌ای باز کرده و آنها را بخاطر "آئین نیک زیستی، نیک مهری و پاک اندیشی" از لغزیدن و منحرف شدن مصون میداند. وی سپس مهاجرین را به دو گروه "مردم هادی و خانواده‌ها" و "سیاست بازها" تقسیم کرده و معتقد است که گروه اول بی‌چون و چرا باید برگردد. کیمیایی بدون آنکه ذکری از زمینه‌های مهاجرت "مردم هادی و خانواده‌ها" به میان آورد و نیز با زدن انگ "سیاست باز" به همه انسانهایی که بخاطر آزادیخواهانه و عدالتجویانه خود مجبور به جلا وطن شده‌اند، نشان میدهد که نگاهش به پدیده مهاجرت تا چه میزان محدود و مخدوش است. به راستی از تلفیق این دیدگاه کیمیایی با نگرش سنتی وی که حسرت خوردن به گذشته و عصیانهای کور فردی از شاخص‌های آن است، چه فیلمی پدید خواهد آمد؟ آیا این فیلم با استناد به دشواریها و تنگناهای واقعی زندگی مهاجرین پیام و نتیجه‌ای خوشایند محافل و افراد سبب ساز مهاجرت در بر نخواهد داشت؟ با به روی اکران رفتن "تجارت" (کله سیاه) بهتر میتوان به این پرسشها پاسخ گفت.

ح-بهداد

با اشتراك "کار" مارا در پيشبرد وظايفمان ياري رسانيد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فرم اشتراك  
برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.

بجای اشتراك نشریه کار

مايلم نشریه کار را برای مدت شش ماه  یکسال  مشترک شوم. معادل  
بجای اشتراك بصورت حواله بانکی  تجربی پستی  همراه نامه است.

شش ماهه	یکساله
اروپا	۴۵ مارک
سایر کشورها	۵۲ مارک
	۹۰ مارک

حساب بانکی: M.ABD  
NR\_35263011  
کدبانک: 37050198  
Stadtsparkasse Köln  
GERMANY

آدرس: (لطفاً خوانا بنویسید)  
Name: \_\_\_\_\_  
Address: \_\_\_\_\_

مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.

fax: 00 49 - 221 - 3318290

## کردستان ترکیه؛ تلاقی ستم ملی و طبقاتی

چندی پیش یک هیات از جمعیت امداد "مدیکو انترناسیونال" از آلمان به کردستان ترکیه سفر کرد و پس از بازگشت، مشاهدات خود را به صورت گزارشی در مطبوعات آلمان انتشار داد. در این شماره، خلاصه‌ای از این گزارش را چاپ می‌کنیم.

ابراهیم، صاحب یک مغازه و مسائل الکترونیک، لفت‌نامه‌ای از قفسه بیرون می‌آورد و خطاب به میهمانان آلمانی خود می‌گوید: "ببینید، با اینکه کرد هستیم، وقتی می‌خواهیم به زبان خود سخن بگوییم به لفت نامه احتیاج داریم." در مدارس ترکیه، کردی تدریس نمی‌شود.

اگر چه جنگ میان حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) و نیروهای امنیتی ترکیه در جنوب شرقی این کشور دارای مشخصات یک درگیری قومی است، اما به نظر می‌رسد سوسیالیسم و ایده مبارزه طبقاتی در این سرزمین که وجه مشخصه آن، تضادهای حاد میان فقیر و غنی است، جان سخت‌ترند. یک نویسنده نشریه متمایل به چپ "اوز گور گوندم" این امر را چنین توضیح می‌دهد: مرز فقر منطبق بر مرز ملی است. اکثر کارگران کرد، بسیار فقیرند.

یوک وکیل دعاوی فعال در امور حقوق بشر در دیاربکر معتقد است اصولاً طرح مسئله هویت و فرهنگ کردها در سیاست ترکیه مرهون پ.ک.ک. است، حزبی که انواع پرچسب‌ها

"مارکسیستی-لنینیستی" گرفته تا "استالینیستی" را به آن می‌زند. اما همین وکیل نیز مانند بسیاری دیگر از روشنفکران، از مخمصه‌ای که بین دو جبهه چریک‌های کرد و سازمان امنیت بدان دچارند، رنج می‌برد و احساس می‌کند تحت مراقبت قرار دارد. یک حقوق دان و ناشر کرد در "جمع شهروندان هلسینکی" جهت حل مسئله

کردها در ترکیه این پیشنهاد را ارائه کرد: استانداران باید به جای منصوب شدن از آنکارا، توسط مردم انتخاب شوند و بودجه مستقل و کنترل پلیس، بهداشتی و مدارس را داشته باشند. عبدالله اوجا الان رهبر پ.ک.ک. بلافاصله این شخصیت کرد را تهدید کرد اگر یک بار دیگر چنین پیشنهادی ارائه کند، ممکن است به حسابش

### ترکیه؛ امیدهایی که تحقق نیافت

ادامه از صفحه ۱۲

بایک سگ گرگی به یک سلول کوچک انداختند، سگ، چندین بار به زندانی حمله کرد و به شدت مجروح شد. پس از دور روز آزاد شد بدون اینکه کیفر خواستی علیه او تنظیم شود. او هنوز نمی‌داند که چرا دستگیرش کردند.

به گزارش هلسینکی، وچ، تنها طرف هشت ماه سال ۱۹۹۲، دوازده نفر در حالیکه در بازداشت پلیس به سر می‌بردند، تحت شرایط مشکوکی جان خود را از دست دادند. یک نمونه، دختر دانش آموز ۱۶ ساله‌ای است که در ۲۵ مارس ۱۹۹۲ دستگیر شد. سه روز بعد به مادرش خبر دادند که جنازه

برسند. گفته می‌شود از آن پس، حقوقدان مزبور دیگر سخنی نگفته است.

در مرکز کردستان، دیاربکر، شب‌ها وقایع غیرقابل پیش‌بینی روی می‌دهد. گاه پ.ک.ک. با حمله به پست‌های ارتش و منازل ماموران دولت، کاری می‌کند که کس دیگری به فکر ادعای رهبری مبارزه رهاییبخش کردها نیفتد. نیروی "ضد چریک" مخالف کردها اغلب دست به انتقام کور می‌زند، مثل حمله به ده "حق وردی" در نزدیکی "تزل تبه". در این حمله، هفت روستایی به دست افراد ناشناس کشته شدند. روزنامه‌های طرفدار دولت نوشتند که پ.ک.ک. دست به این حمله زده است. اما تحقیقات یک نماینده پارلمان در محل نشان داد که قاتلان می‌بایستی از "رامبو"هایی باشند که در کردستان کسی در مورد روابطشان با دستگاه دولت تردید ندارد. طی ۹ روز اقامت ما، در سراسر کشور ۳۵ نفر کشته شدند، در ملاقات حضوری، جزئیاتی در باره شکنجه رایج در بازداشتگاه‌های پلیس می‌شنویم: ریختن آب سرد به روی بدن، شوک الکتریکی، آویزان کردن یا دستبند قبانی، کندن تک‌تک موهای سبیل، به راحتی می‌توان تصور کرد که انتشار روزمره اخباری از این دست، چه تأثیری در جهت‌گیری مردم به راه‌حل‌های تهرآمیزی می‌گذارد.

پلیس وقتی دیاربکر را به مقصد جنوب شرقی ترک می‌کنیم معترض ما نیز می‌شود. یک نویسنده سفید رنگ با سه سرشنسین بدون اینکه سعی در مخفی‌کاری بکند، در جلوی هتل منتظر ماست و مینی بوسی را که در آن گروه کوچک ما نشسته است، تعقیب می‌کند. در "مردین" این گروه، تعقیب ما را به دوستان کت چرمی پوش خود در آنجا می‌سپارد.

هر چه بیشتر به سمت شرق می‌رویم، حضور نظامیان افزایش می‌یابد. بازرسی‌ها بیشتر می‌شود. هر بار که به یک پست بازرسی نزدیک می‌شویم، راننده‌ها صدای ضبط صوت را که نوارهای کردی پخش می‌کند، کم می‌کنند. در گاراژهای اتوبوس‌ها بار که توجو آنها احساس می‌کنند کسی مراقب ما نیست، به ما می‌گویند: "کردستان خوب،

دخترش را تحویل بگیرد. استاندار استان سیرناک گفت این دختر با تغنگی که در سلولش پنهان کرده بود، خودکشی کرده است. بستگان زندانی می‌گویند روی جنازه آثار شکنجه دیده میشد و علاوه بر این، گلوله از پشت وارد جمجمه شده بود.

آنچه مورد نگرانی ویژه گروه‌های حقوق بشر در داخل و خارج از ترکیه است، افزایش قتل‌های سیاسی مرموز است که اغلب آنها در منطقه کردنشین جنوب شرقی این کشور صورت می‌گیرد و تاکنون بیش از صد نفر قربانی شده‌اند. اکثر این قربانیان، سیاستمداران یا روزنامه‌نگاران طرفدار کردها بودند که برای نشریات کرد یا چپ‌کار می‌کردند. در این مورد، هفتین الملل می‌گوید قتل‌های

مزبور "در موارد زیادی بطور آشکار پس از اعمال تضییق از سوی ارگانهای دولتی" صورت گرفته است. این سازمان می‌افزاید شواهد مشخص زیادی حاکی است ترورها با حمایت و حتی در مواردی احتمالاً به ابتکار دولت صورت گرفته‌اند.

اواسط نوامبر سال گذشته، پارلمان ترکیه پس از ماه‌ها بحث وجدل، سرانجام اصلاح قانون مجازات کیفری را مورد تصویب قرار داد. دولت می‌گوید این رفرم به کاهش موارد شکنجه خواهد انجامید. قانون جدید مقرر می‌دارد مدتی که پلیس می‌تواند یک مضمون را بدون هر گونه تماس با خارج نگه‌دارد، کاهش یابد. طبق این قانون، فردی که به اتهام جرائم عادی بازداشت می‌شود، باید حداکثر پس از ۴۴

آلمان خوب، ترکیه بد." از سیزره به بعد، ارتش ترکیه از تانک استفاده می‌کند. تانک‌های هشت چرخه "ب.ت.پ.۶۰" که آلمان از انبارهای ارتش منحل شده آلمان شرقی به ترکیه داده است، بیش از سایر مدل‌ها دیده می‌شوند. این تانک‌ها با سروصدا و به سرعت از خیابانها و جاده‌ها می‌گذرند. سربازانی که بالای تانک نشسته‌اند، لوله مسلسل را به سمت خانه‌ها می‌گیرند. در سیزره می‌گویند شهر روزها در دست ترکیه و شب‌ها در دست پ.ک.ک. است. وقتی یک شب گذارمان به نزدیکی یک صحنه تیراندازی می‌افتد، در می‌یابیم که جنگ است.

از یک وکیل عضو انجمن محلی حقوق بشر در باره مردم عادی می‌پرسیم. اکثریت پر مشغله‌ای که در اینجا هم، در مرکز معادن ذغال سنگ و حاشیه جلگه حاصل خیز بین‌النهرین، به تولید و تجارت سرگرم است، تا چه حد تحت تأثیر مبارزه برای حق تعیین سرنوشت کردها قرار دارد؟ پاسخ این است که هر کس قوانین را رعایت کند، شاید جان سالم بدر ببرد. اما هر موقع روز در خیابان افراد بی‌دفاع به قتل می‌رسند یا بدون دلیل بازداشت می‌شوند. از بعضی دستگیر شده‌ها علیه سایر مظنونین اقرار می‌گیرند. خانه‌ها را بدون حکم بازرسی تفتیش می‌کنند. گفتگوی ما ناگهان قطع می‌شود، زیرا مرتب افرادی به پای میز ما در هتل می‌آیند و به وکیل طرف صحبت ما هشدار می‌دهند که پیرامون ما جاسوس‌ها جمع شده‌اند. هم صحبت ما ناچار می‌شود برود.

یک روزنامه‌نگار کرد مقیم سیزره تأثیرات جنگ بر مردم را چنین توضیح می‌دهد: "پ.ک.ک. به نیروهای امنیتی حمله می‌کند، و آنها مردم را مورد حمله قرار می‌دهند." تلفات در میان مردم، بر پایگاه توده‌ای رادیکال‌ها می‌افزاید. در کردستان ترکیه، حق ابتدایی کاربرد زبان مادری و آموزش به زبان مادری نقض می‌شود. دانش‌آموزان باید جملاتی از این قبیل سر صف تکرار کنند: "من ترکم، درستکار و سخت‌کوشم."

روزنامه نگار کرد می‌پرسد چرا "ترک" و "سخت‌کوش" را مساوی قرار می‌دهند و سایر

ساعت نزد بازرسی برده شود. در مورد جرائم تروریستی و ضد دولتی، مدت بازداشت قبل از صدور حکم، ۴۸ ساعت و در شرایط حکومت نظامی که در سراسر جنوب شرقی ترکیه برقرار است، تا ۱۵ روز خواهد بود. قرار است در آینده بازداشت‌شدگان اجازه یابند در هر مرحله از تحقیقات وکیل بگیرند.

در مورد اینکه مقررات جدید بتواند به بدرفتاری‌ها و شکنجه پایان دهد، تردید وجود دارد. یک وکیل دعوای برجسته ترکیه، این رفرم را یک ترفند میدانند، او می‌گوید اکثر گزارشهای شکنجه مربوط به زندانیانی است که متهم به جرایمی در حوزه مسئولیت دادگاههای امنیتی نظامی‌اند. درست در همین موارد، پس از رفرم هم‌ا هیچ

چیز تغییر نمی‌کند و فرد بازداشت شده حتی حق استفاده از وکیل هنگام بازجویی را نخواهد داشت. حقوقدان یاد شده می‌افزاید "این امر بدین معنی است که در این موارد شکنجه ادامه خواهد یافت."

با اینکه در قانون جدید این ماده را وارد کرده‌اند که اظهاراتی که ثابت شود زیر شکنجه از زندانیان گرفته‌اند نمیتواند مورد استناد دادگاه قرار گیرد، انتظار نمی‌رود که این ماده تأثیر عملی داشته باشد. طبق قوانینی که تا به حال حاکم بوده است نیز شکنجه ممنوع است اما بطور سیستماتیک اعمال شده و می‌شود، آنهم با اطلاع و اجازه دادگاهها.

### در عراق چه می‌گذرد؟

ادامه از صفحه ۱۲

رتبه حزب بعث کمبودی ندارند. همچنین، تشر انگلی دلان و سوداگرانی که از جنگ منفعت می‌برند، به اندازه کافی پول برای خرید اجناس لوکس هم دارند. در مقابل، موقعیت کارمندان و کارگران بسیار وخیم است. نرخ بیکاری در عراق ۵۰ درصد شاقلان تخمین زده می‌شود. به علت کمبود لوازم یدکی، تعداد زیادی از کارخانه‌های کوچک و متوسط تعطیل شده‌اند. نرخ رسمی دلار، سه دینار عراق است اما در بازار



بازار تره‌بار در بغداد

بازار مردم عراق می‌رسد. اخیراً حتی اعلام شد که چیره سبزیجات، نان، روغن، خرما و سایر مواد خوراکی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با این که دولت عراق مازاد محصولات قله کردستان را به قیمت‌های سوپسید شده خریداری کرده است، کمبود آرد و نان در بهار آینده وجود دارد. واردات از طریق اردن نیز پیوسته رو به کاهش است زیرا عراق، ارز لازم برای خریدهای خارجی در اختیار ندارد. اهدام چهل "گرانفروش" در باستان گذشته نتوانسته است وضع عرضه کالا در بازارهای عراق را بهبود بخشد.

مانند همیشه، اعضای عالی دست مردم عراق می‌رسد. اخیراً حتی اعلام شد که چیره سبزیجات، نان، روغن، خرما و سایر مواد خوراکی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با این که دولت عراق مازاد محصولات قله کردستان را به قیمت‌های سوپسید شده خریداری کرده است، کمبود آرد و نان در بهار آینده وجود دارد. واردات از طریق اردن نیز پیوسته رو به کاهش است زیرا عراق، ارز لازم برای خریدهای خارجی در اختیار ندارد. اهدام چهل "گرانفروش" در باستان گذشته نتوانسته است وضع عرضه کالا در بازارهای عراق را بهبود بخشد.

### فلسطینی‌های تبعیدی

ادامه از صفحه ۱۲

از سوی دیگر وارن کریستوفر وزیر خارجه دولت کلینتون نیز مدعی شد توافق اخیر آمریکا و اسرائیل با قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت، همخوانی دارد. وی افزود: "ما اقدامات دیگر از سوی شورای امنیت را ضروری نمی‌دانیم."

آخرین خبر حاکی است که آمریکا و اسرائیل به همدنی که از اعلام توافق خود دنبال می‌کردند، دست نیافتند. پس از رد این پیشنهاد از سوی فلسطینی‌ها، اعلام شد که دور بعدی مذاکرات صلح، به تعویق افتاده است. فلسطینی‌های تبعیدی، به تعویق

از سوی دیگر وارن کریستوفر وزیر خارجه دولت کلینتون نیز مدعی شد توافق اخیر آمریکا و اسرائیل با قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت، همخوانی دارد. وی افزود: "ما اقدامات دیگر از سوی شورای امنیت را ضروری نمی‌دانیم."

آخرین خبر حاکی است که آمریکا و اسرائیل به همدنی که از اعلام توافق خود دنبال می‌کردند، دست نیافتند. پس از رد این پیشنهاد از سوی فلسطینی‌ها، اعلام شد که دور بعدی مذاکرات صلح، به تعویق افتاده است. فلسطینی‌های تبعیدی، به تعویق

از سوی دیگر وارن کریستوفر وزیر خارجه دولت کلینتون نیز مدعی شد توافق اخیر آمریکا و اسرائیل با قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت، همخوانی دارد. وی افزود: "ما اقدامات دیگر از سوی شورای امنیت را ضروری نمی‌دانیم."

آخرین خبر حاکی است که آمریکا و اسرائیل به همدنی که از اعلام توافق خود دنبال می‌کردند، دست نیافتند. پس از رد این پیشنهاد از سوی فلسطینی‌ها، اعلام شد که دور بعدی مذاکرات صلح، به تعویق افتاده است. فلسطینی‌های تبعیدی، به تعویق

از سوی دیگر وارن کریستوفر وزیر خارجه دولت کلینتون نیز مدعی شد توافق اخیر آمریکا و اسرائیل با قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت، همخوانی دارد. وی افزود: "ما اقدامات دیگر از سوی شورای امنیت را ضروری نمی‌دانیم."

آخرین خبر حاکی است که آمریکا و اسرائیل به همدنی که از اعلام توافق خود دنبال می‌کردند، دست نیافتند. پس از رد این پیشنهاد از سوی فلسطینی‌ها، اعلام شد که دور بعدی مذاکرات صلح، به تعویق افتاده است. فلسطینی‌های تبعیدی، به تعویق

## جنگ خونین در کابل ادامه دارد سازمان ملل کجاست؟

## فلسطینی‌های تبعیدی پیشنهاد "سازش" اسرائیل را رد کردند

"حماس" اجازه بازگشت بدهد و مدت تبعید سیصد نفر دیگر را از دو سال به یک سال کاهش دهد. در ضمن اسرائیل حاضر شده است با رساندن آذوقه به تبعیدی‌ها به کمک هلی‌کوپتر، موافقت کند. رابین افزود آمریکا در ازای این عقب‌نشینی اسرائیل، متعهد شده است جلوی تصویب هر قطعنامه حاوی مجازات اسرائیل در

اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل تحت فشار آمریکا که می‌خواست با فیصله دادن به ماجرای تبعید ۴۱۵ فلسطینی به کوه‌های جنوب لبنان، زمینه را برای از سرگیری به موقع مذاکرات صلح خاورمیانه فراهم کند، پیشنهاد کرد صد نفر از تبعیدی‌ها بلافاصله به مناطق اشغالی بازگردند و مابقی، مدت

تاکنون گروه‌های افغانی واکنشی نسبت به پیشنهاد ظاهر شاه نشان نداده‌اند. ادامه ده ماه جنگ داخلی در افغانستان نشان داده است که طرف‌های درگیر قادر به حل و فصل اختلافات میان خود و پایان دادن به جنگ نیستند. کوشش‌های جمهوری اسلامی، پاکستان و عربستان نیز بدلیل بیطرف نبودن آنها در مسائل داخلی افغانستان هیچ نتیجه‌ای به بار نیاورده است. ادامه وضع کنونی در افغانستان هم منجر به فاجعه انسانی در اثر قحطی و گرسنگی خواهد شد و هم احتمال تلاشی افغانستان را بیشتر خواهد کرد. بار دیگر روشن شده است که بدون دخالت سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی امکان دیگری برای چاره‌جویی فاجعه افغانستان وجود ندارد و سؤال اینجاست که سازمان ملل کجاست؟

حزب وحدت اسلامی شرکت نداشتند و هموما مخالف ادامه ریاست جمهوری ربانی بودند. حکمتیار که همچنان از سوی پاکستان حمایت می‌شود با استفاده از موقعیت ضعیف ربانی فشار خود را برای کنار زدن وی و گرفتن قدرت در کابل افزایش داده است.

مسعود و نیروهای وابسته به حکمتیار همچنان دوسوی عمده درگیری‌اند. حکمتیار مخالف ادامه ریاست جمهوری ربانی و خواهان کنار رفتن وی و برگزاری فوری انتخابات است. در همین حال درگیری‌هایی نیز بطور پراکنده میان حزب شیعی وحدت اسلامی و نیروهای "شورای نظار" که مجاهدان حزب جمعیت اسلامی ربانی و شاه مسعوداند وجود دارد. بنا به گفته منابع دولتی افغانستان، هفته گذشته یک حمله زمینی نیروهای گلبدین حکمتیار به کابل توسط نیروهای دولتی دفع شده است.

نزدیک به سه هفته است که کابل بی‌وقفه زیر باران راکت و موشک نیروهای وابسته به حکمتیار قرار دارد. در اثر این حملات صدها نفر دیگر به قربانیان جنگ داخلی افغانستان از زمان بقدرت رسیدن مجاهدان در کابل افزوده شده است. صدها نفر دیگر زخمی و مناطق مسکونی باز هم بیشتری تخریب شده است. در حالیکه سرمایه زمستان بیداد می‌کند ساکنان بی‌گناه و بی‌پناه کابل فاقه مواد غذایی و سوخت و آب و برق‌اند. کارکنان سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی، پاکستان و ترکیه که تا هفته پیش هلیکوپترهای جنگ در کابل بودند، مجبور به ترک شهر شده‌اند.

هفته گذشته عربستان سعودی برای میانجیگری میان طرف‌های درگیر از آنان برای شرکت در اجلاس در عربستان دعوت نمود. اما این پیشنهاد مورد استقبال دولت ربانی و برخی دیگر از گروه‌ها قرار نگرفت. هم‌زمان ظاهر شاه پادشاه افغانستان که در ایتالیا اقامت دارد، در بیانیه‌ای پیشنهاد برگزاری آتش بس و برگزاری انتخابات تا یکسال آتی زیر نظر سازمان ملل را کرد. اما

در اجلاس ماه گذشته "شورای حل و عقد" که به ابقای ربانی در پست ریاست جمهوری منجر شد، اکثر گروه‌های افغانی از جمله گروه حکمتیار، صفت الله مجددی، ژنرال دوستم

دور تازه زدو خورد‌های خونین در کابل از هنگام تمدید ریاست جمهوری برهان‌الدین بحدت دو سال دیگر آغاز شد. نیروهای دولتی تحت فرمان شاه



فلسطینی‌های تبعیدی دو ماه است که سرمای کوه‌های جنوب لبنان را تحمل می‌کنند.

شورای امنیت را بگیرد. ایالات متحده همچنین به اسرائیل قول داده است ترتیب سخت‌تر از سرگیری مجدد مذاکرات صلح و پذیرفته شدن سیصد تبعیدی فلسطینی توسط یک کشور سوم را بدهد. رابین تاکید کرد توافق‌های آمریکا و اسرائیل، معامله‌ای است که تنها در صورت اجرای کلیه مفاد آن، صورت خواهد گرفت. نخست وزیر اسرائیل گفت می‌خواهد کاری کند که کلینتون در چهار سال آینده زمامداری خود مانع هرگونه تحریم اسرائیل توسط سازمان ملل شود. رابین تاکید کرد: "ما قطعنامه ۷۹۹ را اجرا نخواهیم کرد." وی گفت آمریکا می‌تواند مدعی شود توافق اخیر، آغاز روندی طولانی برای اجرای قطعنامه ۷۹۹ است.

کوتاهتری را در تبعید بگذرانند. اما تبعیدی‌ها که نزدیک به دو ماه است سرمای سخت‌تر از سرگیری چادرهای خود تحمل می‌کنند، پیشنهاد رابین را رد کردند و تاکید ورزیدند که قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر ضرورت لغو تبعید همه ۴۱۵ نفر، باید بدون قید و شرط اجرا شود. رابین در توضیح هزل ارائه پیشنهاد جدید خود گفت پس از "دو سه روز مباحثه نشسته" میان واشنگتن و تل‌آویو، کابینه اسرائیل یک جلسه اضطراری تشکیل داد و با مجموعه "توافقی"‌های حاصل شده میان اسرائیل و دولت جدید آمریکا موافقت کرد. طبق این "توافق" اسرائیل حاضر است به حدود صد نفر از متهمان به فعالیت برای

در مورد افرادی که مظنون به ارتکاب جرایم هادی اندوهم در مورد زندانیانی که متهم به تروریست شده‌اند، این نتیجه‌گیری، تعجب‌آور نیست. آخرین تحقیقات سازمان ملل و بین‌المللی و گروه حقوق بشر مرسوم به "هلسنکی واج" نیز همین را نشان می‌دهد. هغو بین‌المللی در گزارشی که یکسال پس از روی کار آمدن دمیرل انتشار داد، خاطر نشان کرد دولت جدید نه تنها به وعده‌های خود در مرصه حقوق بشر عمل نکرده، بلکه "از هنگام روی کار آمدن آن شمار گزارشها در مورد شکنجه حتی بیشتر هم شده است."

زندانی را با تسمه‌ها به این تخت می‌بندند و به آنها شک الکتریکی میدهند. به گفته بازرسان شورای اروپا، تخت مشاهده شده در اطاقی بود که بر در آن تابلوی "طاق بازجویی" دیده می‌شود.



دمیرل، نخست وزیری که به وعده‌هایش عمل نکرد.

ترکیه در دولت دمیرل حضور دارد؟ اگر ملاک، اظهارات رسمی سیاستمداران باشد، امیدهای یکسال پیش بی‌جا نبوده است. به مناسبت آغاز سال ۱۹۹۳ در ستایش مجلس شورای ملی این کشور داد سخن داد و گفت این نهاد در سال گذشته "پیشاهنگ دمکراتیزه کردن کشور" بوده است. وی افزود پارلمان در همه تصمیمات خود، "اصل قانونیت را مدنظر داشته است". سلیمان دمیرل نیز پیامی داد که تمام با اظهار رضایت از سال سپری شده و امیدواری به آینده بود. نخست وزیر ترکیه گفت کشورش در سال ۱۹۹۳، "عدی از دمکراسی را تحقق خواهد بخشید که با معیارهای فربنی سنجیدنی خواهد بود". اردال اینونو معاون سوسیال دمکرات دمیرل نیز از سال ۱۹۹۲ به عنوان سالی "موفقیت آمیز" یاد کرد. اما واقعیات نشان می‌دهد که ترکیه تا تبدیل شدن به یک "دمکراسی با معیارهای فربنی" راه درازی در پیش دارد و سال گذشته بهیچوجه "موفقیت آمیز" نبوده است. آخرین گزارش شورای اروپا در مورد ترکیه حاکی است در این کشور همچنان شکنجه بطور سیستماتیک رواج دارد. گزارش مزبور می‌افزاید مسئولان اعمال شکنجه بز خلاف گذشته حتی به خود زحمت لاپوشانی کرده‌های خود را نمی‌دهند. به عنوان نمونه "بازرسان شورای اروپا در طبقه آخر مقر پلیس آنکارا تختی با مشت تسمه چرمی مشاهده کرده‌اند. بسیاری از زندانیان تا به حال از چنین تختی نام برده‌اند:

چهارده ماه پس از روی کار آمدن دمیرل، وضعیت حقوق بشر بهبود نیافته است. وقتی سلیمان دمیرل در اواخر نوامبر ۱۹۹۱ عهده‌دار نخست وزیری ترکیه شد، برخی ناظران در داخل و خارج از کشور اظهار امیدواری کردند که پایان حکومت "حزب مام وطن" حزبی که نظامیان کودتاچی آنرا به قدرت رساندند، به معنای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور همسایه شمالی فربنی ما باشد. اما بیلان چهارده ماهه دولت دمیرل، خلاف این را نشان می‌دهد. دمیرل تا هنگام کودتای ۱۹۸۰، از سیاستمداران راستگرا و محافظه کار ترکیه محسوب می‌شد. اما در طول حکومت ژنرال اورن و به دنبال او تورگوت اوزال و حزبش، دمیرل در کنار بسیاری از شخصیت‌های سیاسی دوره دمکراسی نیم بند پیش از کودتا، از سوی نظامیان از فعالیت سیاسی منع شده بودند و مدافع بازگشت به حکومت فیر نظامی محسوب می‌شدند. در آستانه انتخابات ۱۹۹۱، دمیرل در برابر حزب مام وطن موضعی اتخاذ می‌کرد که به او وجهه یک سیاستمدار لیبرال مدافع حقوق بشر را بدهد. هنگامیکه حزب دمیرل در انتخابات پیروز شد و در ائتلاف با سوسیال دمکراتها دولت جدید را تشکیل داد، ناظران خوشبین امیدوار شدند. مگر نه این است که حداقل در زمینه حقوق بشر، سوسیال دمکراتها در همه کشورها موضع مثبتی دارند؟ و مگر نه این است که اردال اینونو رهبر حزب سوسیال دمکرات

ادامه در صفحه ۱۱

## در عراق چه می‌گذرد؟

در عراق، حملات اخیر آمریکا توجه مردم را از مصائب روزمره شان منحرف کرد و به دولت امکان داد بار دیگر در تبلیغات خود انگشت اتهام را متوجه فرب هم‌پایه مسئول اصلی این مصائب کند. ناگفته نماند که مشکلات مردم عراق با حملات اخیر بیشتر نیز خواهد شد. هشت سال جنگ علیه ایران، جنگ خلیج فارس با آمریکا و تحریم اقتصادی بین‌المللی که اکنون دو سال و نیم از آغاز آن می‌گذرد، از عراق که زمانی یک کشور فنی بود، یک منطقه مصیبت دیده ساخته است. هر چند دولت توانسته است پروژه آبیاری

درگیری‌های اخیر میان آمریکا و عراق، بار دیگر این سؤال را مطرح کرده است که در داخل عراق چه می‌گذرد؟ موقعیت صدام حسین دیکتاتور این کشور، تا چه حد مستحکم است؟ از مجموع گزارش‌های خبرنگاران فربنی، چنین برمی‌آید که بحران اخیر، نه تنها حکومت عراق را تضعیف نکرده، بلکه به صدام حسین امکان داده است با استفاده از خشم مردم عراق از تجاوزات اخیر فرب، بر موج ناسیونالیسم سوار شود. در جهان فرب نیز دولت‌هایی که در جنگ دو سال پیش خلیج فارس در جبهه آمریکا و متحدانش بودند، این بار نتوانستند از اقدام ایالات متحده حمایت کنند.

سازمان "هلسنکی واج" نیز چندی پیش اعلام کرد اصلاحات دمیرل، تحقق نیافته‌اند. در گزارش این سازمان آمده است: "شکنجه، قتل و سایر موارد نقض حقوق بشر در ترکیه به شدت افزایش یافته است." در گزارش‌های سازمانهای بین‌المللی، موارد زیاد و تکان دهنده‌ای گزارش شده است. این گزارشها حاکی از شیوه‌هایی از شکنجه است که در ضد بشری بودن و بی‌رحمی، بی‌مانندند. سازمان "هلسنکی واج" از مورد فرد ۴۰ ساله‌ای به نام اسماعیل ایلماز نام می‌برد که در آوریل ۱۹۹۲ توسط پلیس استانبول بازداشت شد و به شدت مورد شکنجه قرار گرفت. به اوشک الکتریکی دادند، مورد ضرب و شتمش قرار دادند، لخت آویزان کردند، به متعدهش باتون فرو کردند و او را شش بار همراه

این بازرسان می‌گویند پلیس ترکیه به آنها "هیچ توضیح قابل قبولی در مورد وجود این تخت" نداده است. بازرسان مزبور در مقر پلیس شهر دیاربکر در کردستان ترکیه نیز در طبقه آخروسلیله‌ای برای آویزان کردن زندانی از سقف دیده‌اند. آنها می‌گویند در زندان "بایرام پاشا" ای استانبول چند قربانی شکنجه را ملاقات کردند، از جمله زندانیانی که بر کف پای آنها آثار فلک کردن دیده می‌شد، و نیز زندانی جوانی که روی آلت تناسلی او آثار شک الکتریکی وجود داشت. کمیسیون شورای اروپا به این نتیجه رسیده است که "شکنجه و سایر اشکال بدرفتاری شدید، در ترکیه کماکان اعمال می‌شود، هم

ادامه در صفحه ۱۱